فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷، صص ۲۳۴ - ۱۹۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۱۰۷

نئوعثمانی‌گری و چالش‌های آن برای ج.ا.ایران (دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۲)

محمد منصور عظیم زاده اردبیلی[۱]
دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، خوراسگان
حسین مسعود نیا[۲]
دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۷ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۶**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

سیاست جدید خارجی ترکیه در طی بیش از یک دهۀ اخیر «نئوعثمانی‌گرایی» نامیده شده است. ترکیه در کنار حفظ مناسبات خود با غرب، برای برقراری و توسعه مناسبات سیاسی با کشورهای منطقۀ خاورمیانه، به ویژۀ کشورهای واقع در حوزۀ تاریخی امپراطوری عثمانی تلاش می‌کند. هدف این پژوهش به دنبال واکاوی و تبیین ابعاد سیاست خارجی جدید نئوعثمانی ترکیه است و درپی این است که چه چالش‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد. رویکرد نظری این مقاله مبتنی بر رویکرد سازه‌انگاری است و بر این فرض استوار است که سیاست خارجی جدید ترکیه بازتعریفی گفتمانی است که ریشه در نحوۀ شکل‌گیری و تکوین هویت تاریخی آن دارد و برای این منظور مبدعان سیاست خارجی نئوعثمانی‌گرایی براساس اسناد منتشر شده و خط مشی پیش گرفته طی یک دهه از انتقال قدرت به حزب عدالت و توسعه، سعی دارند تا هویت تاریخی ترکیه را با ارزش غربی حاکم بر آن پیوند دهند. فرضیه این پژوهش اشاره دارد که یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی جدید ترکیه و دکترین نئوعثمانی گری، نفوذ گسترده و افزایش نقش و مداخلات خود در منطقۀ خاورمیانه به ویژه سوریه و عراق است، به صورتی که ترکیه باید نقش پررنگ، فعال و متناسب با تاریخ پرشکوه گذشته خود در دوره عثمانی و عمق جغرافیایی خود ایفا کند. این رویکرد در بسیاری از موارد می‌تواند چالش‌های و تأثیراتی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد و نفوذ منطقه‌ای را تحت‌تأثیر قرار دهد. بر این اساس سیاست خارجی جدید نئوعثمانی این کشور بازتاب‌های جدی بر مناسبات آن با کشورهای اطراف به دنبال داشته است. توسعه این سیاست خارجی به رغم تأثیرات مثبت آن بر روابط با ایران طی دهه ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲، چالش‌های متعددی برای ایران به دنبال داردکه در این مقاله به بخشی از آنان می پردازیم.

واژه‌های کلیدی: نئوعثمانی‌گرایی، سیاست خارجی ترکیه، ایران، سازه‌انگاری، چالش

1. m_m_azimzadeh@yahoo.com
2. h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

مقدمه

جمهوری ترکیه پس از شکستهای پی در پی امپراتوری عثمانی از اروپاییان در قرون ۱۷، ۱۸و ۱۹ در سال ۱۹۲۳ با لغو سلطنت و اعلام جمهوریت از سوی آتاتورک تأسیس شد. با توجه به نگرش منفی بروکراتها و روشنفکران آن زمان ترکیه نسبت به هویت اسلامی و مقصر دانستن آن در فروپاشی عثمانی و از سویی دیگر شیفتگی برای پذیرفته شدن به عنوان یک کشور اروپایی مدرن، سیاست خارجی اروپا محور از آن تاریخ تا سال ۱۹۸۰ تعقیب گردید و از آن زمان در حوزه اقتصادی، جهت بهره مندی از درآمدهای نفتی کشورهای خاورمیانه، گسترش مناسبات با این کشورها مورد توجه قرار گرفت. لیکن در حوزه سیاست خارجی درخواست عضویت در اتحادیه اروپا که از چند دهه قبل وجود داشت، پیگیری شد.(حیدری و رهنورد، ۱۳۹۰ : ۱۳٦).

سیاست خارجی ترکیه در طی یک دهۀ اخیر شاهد تغییرات و تحولات چشمگیری بوده است. این سیاست خارجی جدید «دکترین نئوعثمانی‌گرایی» (Neo-Ottomanism) نامیده شده است. از زمانی که حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ قدرت را به دست گرفت، به ویژه بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۷ که در آن این حزب با ریشه اسلامی قدرت خود را مستحکم کرد، ترکیه در روابط خارجی خود دیدگاه نئوعثمانی را دنبال کرد. نئو عثمانی گرایی، که جایگاه مهمی به اسلامی و تاریخ پادشاهی ترکیه بعنوان ابزار قدرت نرم در سیاست خارجه اعطا نمود، میراث سکولار کمالیسم و سنت دیپلماسی جمهوری خواهی کشور را خنثی کرد.[1] طرح کلی این سیاست در دکترین عمق استراتژیک[2] توسط داود اوغلو وزیر امور خارجه ترکیه مطرح شد. از این دکترین برای حضور فعال در تمام مناطق در همسایگی ترکیه از جمله بالکان، قفقاز و خاور میانه استفاده می شد. این دکترین بر اساس ایجاد یک ملت عثمانی بنیان گذاری شد و عمدتاً ناسیونالیسم را با دین و گذشته مشترک به رسمیت می شناسد. طرفداران عثمانی گرایی معتقد هستند که دولت عثمانی می تواند از طریق متحد کردن افراد که قلمروهای قدیمی عثمانی زندگی کردند، بقاء یابد. قلمروهای عثمانی سابق عبارتند از آناتولی، بالکان، قفقاز، خاورمیانه و شمال آفریقا.

۱. باید ذکر شود که اصطلاح «نئو عثمانی گرایی» در زمان تورگوت اوزال (۱۹۸۷–۱۹۹۳) بعنوان سیاست داخلی جهت مقابله با جدایی طلبی کردها ایجاد شد.

2. Strategic Depth

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

احمد داوداغلو تلاش کرد که بطور ویژه در خاورمیانه حضور دوباره داشته باشد از جمله کشورهای منطقه که ترکیه به آنها تمایل داشت عبارتند از ایران، عراق، سوریه، لبنان، اردن، مصر و کشورهای حوزه خلیج فارس.(Davutoğlu,2001:249-271). با توجه به این مقدمه به سراغ پرسش کانونی این پژوهش می‌رویم. این پژوهش به دنبال واکاوی ابعاد این سیاست خارجی جدید نئوعثمانی گری ترکیه است و به این پرسش به صورت مشخص پاسخ می‌دهد که نئوعثمانی‌گرایی چه تأثیراتی بر منطقه و ایران می‌گذارد و چه چالش‌هایی ممکن است برای ایران به دنبال داشته باشد؟ رویکرد نظری این مقاله مبتنی بر رویکرد سازه‌انگاری است و بر این فرض استوار است که سیاست خارجی جدید ترکیه بازتعریفی گفتمانی است که ریشه در نحوهٔ شکل‌گیری و تکوین هویت تاریخی آن دارد و برای این منظور مبدعان سیاست خارجی نئوعثمانی‌گرایی تلاش دارند تا هویت تاریخی- اسلامی ترکیه را با به ارزش غربی حاکم بر آن پیوند دهند. مهم‌ترین منابع هویتی ترکیه ظرف منطقه‌ای آن تلقی می‌شود که سیاست خارجی جدید این کشور بازتاب‌های جدی بر مناسبات آن با کشورهای اطراف به دنبال داشته است. اما توسعه این سیاست خارجی به رغم تأثیرات مثبت آن بر روابط با ایران، چالش‌های هنجاری و هویتی جدی برای ایران به دنبال دارد. بخش نخست این پژوهش به ماهیت سیاست خارجی جدید ترکیه با تحلیلی سازه‌انگارانه می‌پردازد. بخش دوم، بازتاب‌های منطقه‌ای آن را دنبال خواهد کرد و در بخش سوم نیز به چالش‌های این سیاست هویتی نئوعثمانی گری طی یک دهه بر جمهوری اسلامی ایران پرداخته خواهد شد.

به نظر می رسد یکی از ابعاد نوآورانه این پژوهش، بررسی چالش‌های رویکرد جدید نئوعثمانی گری سیاست خارجی ترکیه برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که تاکنون در تحقیق های پژوهشی مشابه به آن پرداخته نشده است و می تواند به صورت کاربردی در مطالعات پژوهشی وزارت امورخارجه کشورمان مورد بهره برداری قرار گیرد. همچنین موضوع این پژوهش از نظر زمانی محدود به زمان پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۲ می‌باشد. در این میان قلمرو جغرافیایی چگونگی پیگیری نوعثمانی‌گری در سیاست خارجی ترکیه در منطقه خاورمیانه به ویژه در خاورمیانه عربی و در رابطه با ایران تعیین شده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

چارچوب نظری:

براساس کلیاتی که در بالا گفته شد به نظر می رسد استفاده از چارچوب نظری سازه‌انگاری اثری چشمگیر بر شناخت مفهوم نوعثمانی‌گری در سیاست خارجی ترکیه داشته باشد، چرا که بر این پیش‌فرض استوار است که بازیگران، جهان خود را می‌سازند و تحلیل سیاست خارجی، از دولت بعنوان یک بازیگر آغاز می‌شود؛ یعنی بازیگران تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و اجرا می‌کنند. زیرا سیاست خارجی تا اندازه‌ای عمل بر ساختن چیزی است که بازیگران تصمیم می‌گیرند و این دیدگاه، اثر عوامل داخلی بر سیاست خارجی را نشان می‌دهد و نیز این را که چرا سیاست خارجی کشورهای گوناگون با وجود تفاوت‌های درونی، در بسیاری موارد همسان است. از سویی دیگر ساختارها به رفتار کنشگران اجتماعی و سیاسی اعم از افراد یا دولت‌ها شکل می‌دهد، ساختارهای «هنجاری یا فکری» به اندازۀ ساختارهای مادی اهمیت دارند.

براین اساس چارچوب نظری پژوهش حاضر مبتنی بر سازه‌انگاری است. سازه‌انگاری یا برسازندگی به واسطۀ مناظرۀ سوم راسیونالیسم و رادیکالیسم وارد روابط بین‌الملل شد. سازه‌انگاری مبتنی بر چند مفروضه اصلی هستی‌شناختی است. سازه‌انگاران برآنند که تا جایی‌که می‌توان گفت ساختارها به رفتار کنشگران اجتماعی و سیاسی اعم از افراد یا دولت‌ها شکل می‌دهد، ساختارهای «هنجاری یا فکری» به اندازۀ ساختارهای مادی اهمیت دارند. استدلال سازه‌انگاران این است که نظام‌های مرکب از افکار، باورها و ارزش‌های مشترک نیز خصوصیات ساختاری دارند و کنش اجتماعی و سیاسی را به شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهند (رویس- اسمیت، ۱۳۹۱: ۲۸٤). دوم، در مقابل جریان اصلی در روابط بین‌الملل که هویت کنشگران را در نظام بین‌الملل مفروض و ثابت قرار می‌دهند، سازه‌انگاران (که مهم‌ترین خصوصیت متمایز خود را قلمرو هستی‌شناختی می‌دانند) بر «برساخته بودن» هویت کنشگران تأکید دارند و اهمیت هویت را در خلق و شکل‌گیری منافع و کنش‌ها مطرح می‌کنند. کنشگران از این منظر به شکل اجتماعی قوام می‌یابند و هویت‌ها و منافع آن‌ها محصول ساختارهای اجتماعی بین‌الاذهانی می‌باشد. این به معنای آن است که اولاً، هویت‌ها و سرشت تعاملات و روابط میان آن‌ها ثابت و لایتغیر نیست؛ ثانیاً، بلوک‌های ساختمانی واقعیت بین‌المللی هم ذهنی و هم فکری هستند و هم مادی؛ ثالثاً، معنا و اهمیت عوامل فکری مستقل از زمان و

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

مکان نیست (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷٦). آنها ادعا می‌کنند که کارگزاران و ساختارها به «شکلی متقابل» به یکدیگر قوام می‌بخشند. ساختارهای هنجاری و فکری می‌توانند هویت‌ها و منافع کنشگران را مشروط کنند، اما اگر رویه‌های قابل شناخت آن کنشگران نبود، این ساختارها وجود نداشتند (رویس- اسمیت، ۱۳۹۱: ۲۸٦). هرچند واحدی تحلیلی یا موجودیت مورد مطالعه نزد برخی از سازه‌انگاران به مانند جریان اصلی نظری در روابط بین‌الملل بر کنشگران دولتی مبتنی است، اما به نظر می‌رسد که لزوماً از لحاظ نظری راه را برای تلقی افراد، گروه‌ها، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی و ... به عنوان کنشگران نمی‌بندند. سازه‌انگاران بر برساخته بودن مفاهیمی چون حاکمیت و نقش رویه‌های دولت‌ها و کنشگران جامعه بین‌المللی در شکل‌دادن به و بازتولید آن تأکید دارند. پس لزوماً چیزی در ذات جامعه بین‌المللی نیست که دولت‌ها را به کنشگران مشروع آن بدل کند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۵). با این توضیح به سراغ چگونگی کاربست این نظریه در سیاست خارجی می‌رویم، چراکه سازه‌انگاری در گام نخست نظریه‌ای روابط بین‌المللی است. سازه‌انگاری اثری چشمگیر بر مفهوم سیاست خارجی داشته است و بر این پیش‌فرض استواراست که بازیگران، جهان خود را می‌سازند و تحلیل سیاست خارجی، از دولت بعنوان یک بازیگرآغازمی‌شود؛ یعنی بازیگران تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و اجرا می‌کنند. سیاست خارجی تا اندازه‌ای عمل بر ساختن چیزی است که بازیگران تصمیم می‌گیرند و این دیدگاه، اثر عوامل داخلی بر سیاست خارجی را نشان می‌دهد و نیز این را که چرا سیاست خارجی کشورهای گوناگون با وجود تفاوت‌های درونی، در بسیاری موارد همسان است (شفیعی و زمانیان، ۱۳۹۰: ۱۲۷-۱۲۸) .

به این ترتیب، همانگونه مارس مرل اشاره می‌کند، سیاست خارجی را باید تابعی از مؤلفه‌های بین‌المللی و همچنین شاخص‌های داخلی دانست و براساس آن برای ایدئولوژی سیاسی، نخبگان سیاسی، احزاب، ساختار داخلی، نشانه‌های هویتی و قواعد حقوقی اصالت قائل شد (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰: ١٤). از دیدگاه سازه‌انگاری، برای درک سیاست خارجی کشورها، در کنار ساختارهای مادی، باید به ساختارهای معرفتی، ایده‌ها، باورها، هنجارها و اندیشه‌ها نیز توجه کرد. از دیدگاه سازه‌انگاری، هویتها، هنجارها وفرهنگ‌ها نقش مهمی در سیاست خارجی بازی می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها را هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

می‌سازند و همین فرایند است که تعامل میان دولت‌ها را پیش می‌کشد. به نظر می‌رسد که نظریه سازه‌انگاری بهترین راه تعریف مفهوم سیاست خارجی باشد. نظام بین‌المللی از دید آن‌ها یک برساخته اجتماعی است که ویژگی آن در ارتباطات و تعامل میان واحدهای آن تعیین می‌شود. نگاه سازه‌انگاران به هنجارها وقواعد نیز مهم است و در زمینه تأکید بر هنجارها، با نظرات لیبرال اشتراک دارند، امّا تفاوت برجسته آن‌ها با لیبرال‌ها این است که لیبرال‌ها بر جنبه تنظیمی هنجارها تأکید دارند ولی سازه‌انگاران افزون بر جنبه تنظیمی، به جنبه تکوینی آن‌ها نیز توجه می‌کنند و بر این باورند که هنجارها در پی فرایندهایی مانند تعاملات پدید می‌آیند. از نظر سازه‌انگاران، همه بازیگران در حاکمیت زبان و قواعد قرار دارند.

سازه‌انگاری درصدد است تا به جای تأکید بر توانایی دولت‌ها و یا توزیع قدرت به عنوان یکی از ویژگی‌های ساختاری نظام بین‌الملل، بر هویت دولتها انگشت گذارد. انگاره‌ها می‌توانند روی هویت‌ها و منافع و سیاست‌ها اثر بگذارند و تغییرجهت از توانایی‌ها به سوی هویت‌ها آن چیزی است که دولت‌ها می‌توانند انجام دهند تا موقعیت خودشان را در ساختار تبیین کنند، پس با وجود آنکه دولت‌ها برپایه اصولی مانند خودیاری، پاسداری از امنیت و منافع ملی رفتار می‌کنند، امّا اگر بر پایه اصولی با هم همکاری کنند چه بسا که نظرشان در مورد هویت خود و اینکه چه ارتباطی با دیگر جهانیان و نظام بین‌الملل می‌توانند داشته باشند،تغییر می‌یابد (شفیعی و زمانیان، ۱۳۹۰: ۱۲۷–۱۲۸). براین اساس می‌توان گفت که سیاست خارجی از یک مفهوم عینی به مفهومی ذهنی و گفتمانی تبدیل شده است. وقتی از منظر سازه انگاری، سیاست خارجی نئوعثمانی‌گرایی ترکیه و تأثیر آن بر ایران را بررسی می‌کنیم، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا می‌توان عناصر مادی را از سیاست خارجی کشوری به حاشیه راند و جهت‌گیری‌های راهبردی آن کشور را صرفا ایدئولوژیک خواند؟ آیا اساساً می‌توان از منظر سازه انگاری ستون معنایی را هم‌وزن ستون مادی در سیاست خارجی ترکیه تلقی کرد؟ در ادامه به این مسائل پرداخته خواهد شد.

۱. ماهیت سیاست خارجی نئوعثمانی‌گرایی ترکیه:

برای درک مناسب از نئوعثمانی گری در ترکیه باید در چارچوب نظری سازه انگاری چیستی آن را تبیین کرد تا بتوان متعاقباً بازتابهای آن در منطقه را برشمرد و چالشهای آن

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

را برای جمهوری اسلامی ایران احصاء نمود. از چشم‌انداز سازه‌انگارانه سیاست خارجی نئوعثمانی‌گرایی ترکیه بازتعریفی است که نخبگان مبدع آن از خود و جایگاه ترکیه برساخته‌اند. گفتمان نئوعثمانی‌گرایی ترکیه از بسیاری جهات متأثر از اصول سیاست خارجی کمالیسم است. بنیانگذاران جمهوری ترکیه و در راس آن‌ها کمال آتاتورک بر این باور بودند که ترکیه باید تا سر حد امکان خود را از خاورمیانه و درگیری‌ها و کشمکش‌های آن دور نگه دارد. بدین ترتیب، نزدیکی غرب به اولویت اصلی و شاید تنها اولویت آتاتورک در سیاست خارجی تبدیل شده بود.

شش اصلی را که آتاتورک برای نظام سیاسی جدید عنوان کرد در قانون اساسی ۱۹۳۸ این کشور منعکس گردید: جمهوری‌خواهی، ناسیونالیسم، توده‌گرایی، انقلابی‌گری، جدایی دین از سیاست و دولت‌گرایی، اصول شش‌گانه‌ای هستند که بعدها به کمالیسم معروف شدند. اصول شش‌گانه کمالیسم، نحوه اعمال قدرت حکومت بر جامعه و میزان آن، کوشش برای دگرگونی اجتماعی و اقتصادی در جامعه و شکل و ساختار سیاسی ترکیه را معین می‌کرد (کواکبی، ۱۳۷۵: ٦٩).

کمالیسم در معنای محدود، «نامی است که به دکترین رسمی راهنمای دستگاه سیاسی ترکیه در عصر جمهوریخواهی سکولار این کشور، به ویژه در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، یعنی دوران پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، داده می‌شود (Mateescu, 2006: 225). در معنای وسیع‌تر کمالیسم به عنوان یک جریان سیاسی هویت–ساز در جامعه ترکیه یک پدیده الزاماً سیاسی نیست. بلکه مفهومی اجتماعی– فرهنگی با ویژگیهای چون تشویق به مدرنیزاسیون، سکولاریسم و ناسیونالیسم شناخته می شود.

شش اصل بنیادین کمالیسم ، یعنی کمالیسم ترکی، آنگونه که در قانون اساسی مصوب (۱۹۲٤) ترکیه و در گفتار و اسناد مربوط به حزب جمهوریخواه خلق و شخص آتاتورک آمده است، همواره طی یک قرن به عنوان راهنمای زندگی مردم و سیاستمداران این کشور پذیرفته شده و به عنوان اصول هستی‌شناسی ترکیه پذیرفته شده اند. «ترکیه جدید تحت تأثیر ایدئولوژی «کمالیسم» و ایدئولوژی رسمی بعد از شکل‌گیری جمهوری ترکیه، قرارداشته است. جوهر مدرنیزاسیون کمالیستی سعی دارد تا زمانی که این کشور به طور کامل متجدد و مدرن نشده، حوزه‌های سیاسی را کنترل و محدود کند. در ذات و سرشت این ایدئولوژی،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

سیاسی‌سازی توده‌ها و بازنمایی هویت‌های متفاوت سیاسی و اجتماعی دارای بارهای منفی هستند و تنها چیزی که از طبقات سیاسی انتظارمی‌رود، این است که به نیازهای دولت در کنترل جامعه کمک کنند.» (امام‌جمعه‌زاده و دیگران؛۱۳۹۲: ٤٦)

بر این اساس می‌توان گفت که کمالیسم به عنوان یک جریان هویت‌ساز در سیاست داخلی و خارجی این کشور طی قرن بیستم حضور داشت. جریان کمالیستی علاوه بر آنکه تلاش نمود تا بنیان‌های فکری و نگاه به زندگی در جامعه ترکیه را تغییر دهد و جوامع پیرامونی خود را از این منظر می‌نگریست با تغییر در معرفت‌شناسی سنتی ترکیه که بر استمرار سنتهای دینی و عرفی بنا نهاده شده بود، به سمت استفاده از عقلانیت ابزاری جهت ساخت یک کشور پیشرفته و متمدن هدف‌گذاری شد. این سیاست را بر اساس نظریه سازه‌انگاری به این گونه می‌توان توضیح داد سازه‌انگاری خود را ملزم به معرفت شناسی و روش شناسی علم گرایانه در تبیین سیاست خارجی نمی کند، درعین حال آن را رد هم نمی کند. «سازه‌انگاری ازلحاظ معرفت‌شناسی، باز است؛ یعنی سازه انگاری می تواند با مجموعه از روش های مختلف سازگار باشد. از نظریه پردازی مبتنی بر گزینش عقلانی تا تحلیل های کمی اثبات گرایانه، تا توصیف های محض و هر چیزی دیگر که ما به نام دانش پژوهشی عملاً ازآن استفاده می کنیم.» (Moshirzadeh, 2010: 129) .

انتخاب رویکرد مدرنیزاسیون توسط کمالیستها موجب شد تا این کشور از قوانین و روشهای سنتی که بیشتر بر اساس معرفت شناسی تقلیدی استوار بود، به مدرنیزاسیون تغییر یافت. هدف اصلاحات کمالیستی با تغییر در معرفت‌شناسی زندگی اجتماعی ترکیه تحقق یک دولت و جامعه‌ی ترکی مدرن بود. در آغازه هزاره جدید، ترکیه لزوم بازتعریف جایگاه خود را در نقشه جهان احساس کرد. گفتمان نئوعثمانی‌گرایی بازتعریفی جدید از نقش ترکیه است. تنوع‌بخشی در سیاست خارجی از طریق به حداکثر رساندن منافع استراتژیک یکی از جهت‌گیری‌های نادری بود که به نظر می‌رسید دولت و نهادهای کشوری در مورد آن اتفاق‌نظر داشته باشند. این رویکرد جدید در عرصه سیاست خارجی بیشتر بر همسایگان، امنیت دریای سیاه و پویش‌های خاورمیانه تمرکز دارد (Nigar Goksel, 2008: 14).

هدف‌گذاری راهبردهای کمالیستی برای قطع هویت ملی ترکیه با هویت اسلامی و تاریخی آن بود، با فروپاشی شوروی و تغییرات در نظام بین‌الملل با چالش های متعددی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

روبرو شد. سیاست قطع رابطه با گذشته اسلامی- عثمانی ترکیه، همه گویای آن بود که دولت ملی‌گرا و سکولار ترکیه طی قرن بیستم تلاش داشته تا خود را از گذشته تاریخی امپراطوری عثمانی جدا سازد. اما همان‌گونه که اونف از نظریه‌پردازان سازه انگاری می‌گوید، «ارزشها و هنجارهای تاریخی که در فرهنگ یک جامعه حضور دارد را نمی‌توان با تبلیغ ارزشها و هنجارهای جدید و وارداتی جایگزین کرد، چرا که هویت ملی و هویت فرهنگی یک ملت وابسته به ارزشها و هنجارهایی است که آنرا از دیگر ملتها جدا می‌سازد.» (Karimi-fard,2012:145) بازگشت عثمانی گری به عرصه سیاسی ترکیه در قرائت نوعثمانی‌گری بر اساس این استدلال قابل پذیرش است.

نوعثمانی‌گری یا تلازم اسلام و هویت ترکی با تاریخ خلافت در تحولات سیاسی ترکیه سابقه طولانی دارد. برای اولین بار سیاست بازیابی عثمانی گری از طرف سلطان عبدالحمید دوم و در قالب تز یوسف آقچورا (۱۹۰٤) برای نجات خلافت مطرح گردید. «دکترین عثمانی‌گری پیش از روی کار آمدن عبدالحمید دوم رواج بیشتری داشت و هدف آن خلق ملت عثمانی بود. در این نوع از ملت‌سازی مولفه اصلی نه ریشه قومی و ملی بلکه ریشه‌های تاریخی و عضویت در امپراتوری بزرگ اسلامی بود. بر این اساس بر محور یک مفهوم مشترک از وطن - ملت عثمانی همانند ملت آمریکا شکل می‌گرفت که هدف از آن نجات امپراتوری از زوال و تجزیه بود.» (Ulgen,2010:4) در این تعریف بیان می‌شود که ریشه‌های نوعثمانی گری علاوه برآنکه به خواست تاریخی جهت استمرار خلافت عثمانی‌ها اشاره دارد، الزاماً اسلام گرای یا ملی‌گرا نیست. بلکه هویت تاریخی است که بدنبال برساخت هستی- شناسی ملی‌گرایانه- اسلام‌گرایانه است. در این دکترین هستی‌شناسی سیاست‌گذاران ترکیه بر این نکته تأکید دارد که «این کشور توانایی کنترل منطقه خاورمیانه و تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای و یا حتی تنها قدرت منطقه خاورمیانه را دارد.» (Dagi,2005: 29)

به گفته احمد داود اوغلو «نوعثمانی‌گری سیاستی است مبتنی بر بازتولید بعضی تجربه‌های کاربردی در دوران امپراتوری عثمانی و احیای عظمت ترکیه جدید با تکیه بر مفروضات برآمده از کارآمدی رویکرد دولت عثمانی در دوره تنظیمات» (داود اوغلو؛۱۳۹۱: ۸۹). بُعد هستی‌شناسانه این دکترین نه به نظام فکری و نه مادی یا خردگرایانه حاکمان عثمانی باز می‌گردد که به منظور جلوگیری از تاثیر امواج ملی‌گرایی گسترده شده در اروپا بر تمامیت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

داخلی عثمانی ناشی از انقلاب فرانسه اتخاذ گردیده است.

دکترین عثمانی‌گری «با هدف ایجاد موازنه میان مجموعه تحولات جدید بین‌المللی با فرهنگ سیاسی داخلی وارد حرکت‌های اصلاحی هدایت شده مطرح گردید.» این دکترین در زمان تورگوت اوزال مابین ۱۹۸۷-۱۹۹۳ به دلیل شرایط جدید بین المللی یعنی فروپاشی شوروی و برآمدن نظام تک قطبی و نظم نوین جهانی دوبار مطرح گردید و رسماً با پیروزی اسلامگرایان دنبال شد. دکترین نوعثمانی‌گری در داخل تلاش دارد تا با هویتی جدید و تعریف جدیدی از تابعیت، مسائل داخلی این کشور همانند قوم‌گرایی را مرتفع نموده و از تجزیه‌طلبی آنها جلوگیری نماید و در خارج از ترکیه نیز برای گسترش سیاسی متناسب با ارزش‌های رو به رشد جهانی، تغیرات اساسی در سیاست خارجی خود ایجاد کند.(Taspinar,2012:192). این سیاست طی دهه نود توسط تئوریسین‌های اسلام-گرا مطرح و جامعه ترکیه را برای طرح دکترین نوعثمانی‌گری آماده ساخت. در همین راستا و براساس دکترین عمق استراتژیک احمد داوود اوغلو، ترکیه با ایجاد توازن در سیاست بین‌المللی و منطقه‌ای در عین تمایل به سوی آمریکا و تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا، با فاصله‌گرفتن از برخی سیاست‌های دولت قبلی، سیاست نگاه به شرق خود را معطوف به مناسبات گسترده و همه جانبه با کلیه همسایگان خود ساخته است. ترکیه براساس گفتمان نئوعثمانی به جای آنکه صرفاً دنباله‌رو گسترش«طرح‌های جهانی»باشد باید سیاست خودش را بسازد و به عنوان کشوری شناخته شود که روابط فرهنگی با منطقه خود دارد.به اعتقاد داوود اغلو، ترکیه یک «نگرش راهبردی برای آینده منطقه خود دارد» که بر پایه چارچوب‌های امنیتی مشترک، گفتگوی سیاسی، وابستگی متقابل اقتصادی و موازنه قومی و فرهنگی است. به‌عبارت دیگر، نگرش او به ترکیه به عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای است (مفیدی‌احمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۷۸).

ترکیه نئوعثمانی، با بهره‌گیری از عمق فرهنگی- تاریخی دوران عثمانی خود را در مرکزیت ژئوپلیتیکی و نیز ژئوکالچری دوران عثمانی تصور می‌کند و علاوه بر این، مرزهای هویتی خود را نه در محدوده مرزهای ترکیه کنونی، بلکه در محدوده مرزهای عثمانی در دوران اقتدار ترسیم می‌کند. پس ازپیروزی پارلمانی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۱۱، اردوغان این پیروزی را به مردم اردن، مصر، تونس، شام، سارایوو و قبرس تبریک گفت و آن را پیروزی مردم نابلس، جنین، رام الله، غزه و بیت المقدس نیز دانست.داووداوغلو روایت صریح‌تری

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

از مرزهای بین‌المللی ترکیه جدید دارد. وی در سخنرانی خود در «چاناک قلعه» گفت: «کشورهای استقلال یافته از عثمانی یک بار دیگر با ما متحد خواهند شد و در افق ۱۲ سال آینده تبدیل به دولت جهانی خواهیم شد». سخنان داوودواوغلو به صراحت بیان می‌دارد که ترکیه نئوعثمانی در پی تعریف یک فراهویت مبتنی بر ژئوکالچر مشترک بین طیفی از کشورها نیست، بلکه در پی تعریف یک هویت مشترک با مرزهای مشترک است. وی در سوم مارس سال ۲۰۱۳ بیان داشت: «قرن گذشته برای ما تنها یک پرانتز بود. ما این پرانتز را خواهیم بست. ما این کار را بدون جنگ و یا دشمن خواندن کسی و بدون تجاوز به هیچ مرزی انجام می دهیم و بار دیگر سارایوو را به دمشق و بنغازی را به ارزروم و باتومی متصل می‌کنیم.... ممکن است اینها از دید شما کشورهای متفاوتی باشند؛ اما یمن و اسکوپیه ۱۱۰ سال پیش جزئی از یک کشور واحد بودند. ارزروم و بنغازی نیز همین طور» (مددلو، ۱۳۹۲).

رهیافت نئوعثمانی‌گری به دنبال پایان اختلافات و ارتقای ثبات در ترکیه، جایگزینی اختلافات با همکاری، یافتن سازوکار و شبکه‌های ابتکاری برای حل منازعات منطقه‌ای، تشویق تغییر مثبت در منطقه و ساختن پیوندهای بین فرهنگی گفتگو و درک متقابل براساس موقعیت جدید ترکیه بر هر دو پایه ایدئولوژیک و جغرافیایی است. در ضمن ترکیه به صورت همزمان افزایش نفوذ اقتصادی و سیاسی را در مناطقی که در گذشته تاریخی جزء حوزهٔ نفوذ امپراطور عثمانی بود (مناطقی چون بالکان،آسیای مرکزی و خاورمیانه) دنبال می‌کند. تا پیش از این تغییرات، ترکیه به عنوان یک عضو ناتو در یک بخش بی‌ثبات ولی با اهمیت راهبردی در جهان مطرح بود که به وسیله قدرت نظامی و ساختار کمالیستی پایه‌ریزی شده بود. این ساختار بر ابزارهای قدرت سخت کلاسیک استوار بوده و بیشتر واکنشی بود تا فعال و کنشی و در ضمن قدرت‌های خارجی چون ایالات متحده در آن نفوذ قابل توجهی داشتند.

۲. بازتاب‌های سیاست خارجی نئوعثمانی‌گرایی ترکیه بر منطقه

در پرتو رویکرد جدید سیاست خارجی نئوعثمانی گری، کشور ترکیه در سال‌های اخیر تلاش کرده تا به عنوان یک کشور در مجموعه تمدن اسلامی و درعین حال مدرن و دموکراتیک، جایگاه رشد و توسعه خود را به ظرف تمدنی خود منتقل کند و در میان کشورهای اسلامی به عنوان کشوری بزرگ مدرن مطرح شود (امیدی و رضایی، ۱۳۸۹: ۲۴۲).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

بنابراین هرچند سیاست نئوعثمان‌گرایی نخبگان ترکیه گرچه براساس نوعی هویت‌جویی جدید شکل‌گرفته‌است، اما یکی از اهداف آن بازیابی هویت منطقه‌ای براساس تلفیق اندیشه اسلام متساهل با دستاوردهای مدرنیته که خواستگاه اجتماعی استواری در مصر، تونس، مراکش، سوریه و کشورهای عرب دارد، است؛ این بازیابی هویت منطقه‌ای اول اینکه ترکیه را بازیگر محوری در منطقه میکند و به عبارتی، همه کشورهای منطقه از ایران، حماس و کشورهای عربی، می‌کوشند تا از مجرای دیپلماسی ترکیه مشکلات خود را با جهان حل و فصل کنند. این دیدگاه، هم مزیت اقتصادی برای ترکیه دربردارد و هم مزیت فرهنگی. مزیت اقتصادی حضور ترکیه در بازار منطقه‌ای است، به‌گونه‌ای که بعد از عقد اخوتی که میان ترکیه و سوریه بسته شد، بخش زیادی از بازارهای سوریه در اختیار ترکیه قرار گرفت. بسیاری از کشورهای منطقه، الگوی ترکیه را الگوی مطلوب برای خود قلمداد کردند، بعضی از رهبران اپوزیسیون منطقه مانند اپوزیسیون سوریه به صراحت از الگوی ترکیه به‌عنوان الگوی جانشین در کشور خود نام می‌بردند (حسینی، ابراهیمی و شاه‌قلعه؛ ۱۳۹۱: ۷۶).

اسلام‌گرایان در ترکیه با ترسیم الگوی تئوری «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» و اتخاذ دکترین «عمق راهبردی» مداخله خود در جهان عرب را بعد از پیروزی در انتخابات ترکیه ۲۰۰۳ آغاز کردند. مداخله در منطقه خاورمیانه مخصوصا جهان عرب براساس نظرات داوود اوغلو صورت گرفته است که خواهان بازیگری نقش ترکیه در بین اعراب است. «سیاستمداران ترک معتقدند به خاطر عمق استراتژیک این کشور نیاز هست که آنکارا حضور پررنگ تری در جهان عرب داشته باشد. در حقیقت، این تئوری از یک سو در راستای علایق تاریخی و مذهبی نخبگان حزبی عدالت و توسعه می باشد و از سوی دیگر، منافع امنیتی این کشور را تأمین می کند.» (حیدری و رهنورد،۱۳۹۰: ۱۲)

ترکیه در سال‌های اخیر نقش میانجی بحران‌های منطقه‌ای را برای نشان دادن اهمیت هویت منطقه‌ای چندگانه این کشور و موقعیت ژئوپلتیک بی‌همتای آن بازی کرده است. این مسئله شامل میانجی‌گری میان گروه‌های لبنانی، پاکستان و افغانستان، پاکستان و هند، حماس و فتح، سوریه و اسرائیل و سوریه و عراق بوده است. این فعالیت‌های دیپلماتیک توضیح خوبی برای چرایی موقعیت ترکیه در انتخاب به عنوان عضو غیردائم شورای امنیت برای سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۰ بوده است. پس سیاست خارجی ترکیه براساس معیاری عینی و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

هنجاری شکل گرفته است و در تحلیل سیاست خارجی نظام سیاسی ترکیه از منظر هویت آن باید به منابع هویتی در جامعه و تاریخ پرداخت. یکی از مهم‌ترین منابع هویتی منطقهٔ خاورمیانه است. براساس سازه‌انگاری، رفتار خارجی ترکیه در خاورمیانه براساس فاکتورهای صرفاً عینی نبوده، بلکه بیشتر براساس هنجارهایی است که تاثیری مستقیم بر منافع و هویت ترکیه دارند. هنجارهایی که نقش محدود کننده برای دولت‌ها بازی کرده و به مثابهٔ معیاری برای رفتار محسوب می‌شوند.

براساس آنچه که توضیح داده شد در یک ارزیابی کلی می‌توان بازتاب‌های منطقه‌ای رویکرد نئوعثمانی‌گرایی ترکیه را در موارد زیر خلاصه کرد:

الف) نگاه به شرق به جای نگاه صرف به غرب: ترکیه با ایجاد توازن در سیاست بین‌المللی و منطقه‌ای در عین تمایل به سوی آمریکا و تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا، با فاصله گرفتن از برخی سیاست‌های دولت قبلی، سیاست نگاه به شرق خود را معطوف به مناسبات گسترده و همه جانبه با کلیه همسایگان خود ساخته است.

ب) تلاش برای حل‌وفصل مسئله کردها در داخل و جذب کردهای منطقه به سوی خود: نمود این سیاست را به صورت بارز در تغییر سیاست خارجی ترکیه در کردستان عراق می‌توان مشاهده کرد. رهیافت ترکیه در قبال اقلیم کردستان تا سال ۲۰۰۸ مبتنی بر «سیاست خط قرمز» بود که بر اساس آن ترکیه مخالف هرگونه استقلال عمل کردها در عراق بوده و رابطه این کشور با اقلیم کردستان از مجرای حکومت مرکزی عراق صورت می‌پذیرفت. اما از این سال به بعد سیاست خط قرمزترکیه در قبال اقلیم کردستان تغییر کرد و فصل جدیدی در روابط طرفین ایجاد گردید. رابطه نزدیک ترکیه با حکومت اقلیم کردستان، اعطای تابعیت به معاون رئیس جمهور عراق و تنش در رابطه بغداد–آنکارا را می‌توان در این راستا برشمرد. اگرچه این مهم بعد از اصرار اقلیم بر تشکیل حکومت مستقل به سردی گراییده است.

ج) تلاش برای برقراری مناسبات با ارمنستان: وزرای خارجهٔ ترکیه و ارمنستان با امضای یادداشت تفاهم در نوامبر ۲۰۰۹ با میانجیگری آمریکا، سوئیس، روسیه و فرانسه به عادی‌سازی روابط دیپلماتیک مبادرت کردند. از دید واشنگتن، به هر میزان که ارمنستان در صحنه معادلات منطقه فعالتـر و از میزان وابستگی اش به ایران و روسیه کاسته شود، این کشور مسیحی و برخوردار از تشابهات فراوان فرهنگی و تمدنی با جهان غرب و برخوردار

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

از موقعیت استراتژیک را میتوان بیشتر به غرب نزدیک نمود که نخستین گام این سیاست را واشنگتن با اعمال فشار بر آنکارا برای بهبود مناسبات با ایروان و گشودن مرزها آغاز نموده است تا در گامهای بعدی بتواند ارمنستان را هرچه بیشتر وارد معادلات سیاسی و امنیتی جهان غرب نماید. در بعد اقتصادی نیز بهبود روابط ارمنستان و ترکیه این مزیت را در پی خواهد داشت که خط لوله ناباکو را که باهدف دور زدن ایران و روسیه طراحی شده است، با طی مسافتی به مراتب کوتاهتر از طریق ارمنستان عبور دهد. از اینرو شاهد هستیم که مجموعهای از منافع ترکیه، ارمنستان و جهان غرب، در یک بازی پیچیده تر از سوی روسها که با هدف تحت فشارقراردادن دولت غربگرای ساکاشویلی صورت می گیرد، بر سر بهبود روابط ایروان ـ آنکارا به توافق رسیده اند. (کوزه گر، ۱۳۸۸: ۱۹-۲۱).

د) تلاش برای به دست‌گرفتن رهبری جریان اخوان: حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان نمی‌تواند در کشور ترکیه به مانند احزاب لائیک و سکولار رفتار کند و انتظار تداوم حیات سیاسی هم داشته باشد، چراکه هویت آن در راستای باورهای اصیل اخوانی مفصل‌بندی شده است. ترکیه از زمانی که تحولات عربی در شمال آفریقا شروع شد، بر اساس تئوری همسایگی و سرایت آن به دیگر کشورها، نگاه مشترکی به فعالیت‌های اخوان پسا مبارک داشت. نگاه ترکیه به مصر محمد مرسی نگاه اسلامگرایانی بود که رویکرد نئوعثمانی‌گرایی را دنبال می‌کرد.از این رو موضوعی که اردوغان یا داود اوغلو دنبال می‌کردند، ریشه آن برخواسته از فعالیت‌های اخوانی است، از این رو به دنبال اخوانی‌های مدرن یا اصلاحی هستند. ترکیه پس از مرسی باز به دنبال ادامه فعالیت‌های اخوان بود، اما ساختار سازمانی کشورهای عربی به خصوص با محوریت عربستان یا مصر، چنین رویکردی را نمی‌پسندند. از این رو به دنبال کنترل آن بودند. ترکیه به دنبال جمع‌کردن اخوانی‌ها و رهبری آن‌هاست که در آینده منطقه نقش ایفا کند. ایفای نقشی که اخوانی‌های اصلاح‌طلب به سبک ترکیه نه سبک مصری یا حتی تونسی یا لیبی آن را دنبال کنند. از این‌رو، اخوان اصلاح‌طلب به دنبال آلترناتویی است که بتواند با توجه به محدودیت‌ها، فعالیت‌های خود را دنبال کند و این تنها در ترکیه میسر است. از این رو می‌توانند در ترکیه به بازتعریف خود در حوزه‌های مختلف و نقش سیاسی خود بپردازند. ترکیه به دنبال بازتعریفی از اخوان است و بر اساس اخوان اصلاح‌طلب، سیاست‌های نئوعثمانی‌گرایی خود را دنبال کنند. از یک طرف عربستان، امارات، بحرین و دیگر کشورها

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

به دنبال حذف خطر اخوان هستند. البته قطر به عنوان رژیمی که در بین کشورهای عرب رویکردی اصلاحی و مدرن‌تری دارد، متفاوت است. عربستان به دنبال حذف اخوانی است که ممکن است خطری برای سلطنت و کشوری که به عنوان برادر بزرگتر عمل می‌کند، باشد. با این حال، در آینده شاهد رقابت‌های منطقه ای میان عربستان، ترکیه و مصر خواهیم بود به نحوی که درآینده ازیک طرف ترکیه بتواند با مصر کنار بیاید و اخوانی های اصلاح طلب در دولت مصر فعالیت و در مقابل نقش عربستان را کمتر کنند (بخشی، ۱۳۹۳).

هـ) تقویت روابط با روسیه: با روی‌کارآمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، ترکیه و روسیه توانستند در ملاقات‌های متعدد که میان مسئولان بلندپایه دو کشور انجام شد در برخی زمینه‌ها به تفاهم برسند. به ویژه در زمینه انرژی، بیش از ۷۰ درصد گاز ترکیه از روسیه وارد می‌شود و میان دو کشور، در بستر دریای سیاه، یک لوله انتقال گاز صادراتی اختصاصی به نام «بلواتریم» کشیده شده است. دو کشور قراردادی جداگانه برای گسترش تجارت انرژی امضا کرده‌اند که می‌تواند ترکیه را به کشوری کلیدی به‌منظور گسترش ترانزیت گاز روسیه به اروپا تبدیل –کند. حجم تجارت میان دو کشور به سطحی بی‌سابقه رسیده است. در کل، باید اشاره کرد که در شرایط فعلی مسکو و آنکارا، به دنبال بازتعریف روابطشان هستند. با توجه به پیشینه نامطلوب روابط ترکیه و روسیه باید عنایت داشت که روابط دو کشور در سال‌های اخیر در دو بخش سیاسی و اقتصادی رشدی متفاوت داشته‌است؛ بدین معنی که درزمینه مسائل اقتصادی و به ویژه انرژی، رشدی بسیار چشمگیر را شاهد بوده‌ایم درصورتی‌که درزمینه سیاسی با وجود اشتراک های بسیار، ترس و رقابت بر روابط حاکم است (حسینی، ابراهیمی و شاه قلعه؛ ۱۳۹۱: ص ۸۱–۸۲). این سیاست و این تغییر رویکرد در تقویت ارتباط با روسیه به طور ویژه در سالهای بعد از ۲۰۱۲ برجستگی خود را در عرصه دیپلماسی و دیدار پرتعداد سران دو کشور نشان داده است .

و) فعال‌شدن سیاست منطقه‌ای ترکیه در خاورمیانه: اساساً فعال شدن سیاست منطقه ای ترکیه احیای روابط با جهان عرب، میانجیگری در روند صلح اعراب و اسرائیل با داشتن سمپاتی به فلسطینیان و نزدیک‌تر شدن به ایران را دنبال می کرد. ترکیه در یک دهه اخیر به یکی بازیگران مهم و تأثیرگذار خاورمیانه تبدیل شده بود. این سیاست را به شکل بارز در مناسبات ترکیه با سوریه پیش از تحولات موسوم به خیزش عربی می‌توان دنبال کرد. در

فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

دهه‌های ۱۹۸۰و ۱۹۹۰ این دو کشور روابط پرتنشی را تجربه کردند، اما تهدید ترکیه به حمله به سوریه در صورت ادامه یافتن حمایت‌های دمشق از «پ ک ک»، در اکتبر ۱۹۹۸ بحران را در روابط دو کشور به اوج رساند. سوریه در برابر برتری نظامی ترکیه از مواضع خود عقب نشست و دست به اخراج عبدالله اوجالان، رهبر «پ ک ک»، و بستن اردوگاه‌های تمرینی این گروه زد. این تغییر موضع دمشق، راه را برای بهبود تدریجی روابط هموار کرد. بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۹، دو کشور حدود ۵۰ توافق‌نامه همکاری امضاء و ایجاد شورای عالی همکاری استراتژیک را اعلام کردند. علاوه بر این، ترکیه و سوریه نخستین تمرین نظامی مشترک را انجام دادند. در سال ۲۰۱۰، ترکیه و سوریه توافق‌نامه تاریخی مبارزه با تروریسم را امضا کردند و در سال ۲۰۱۱، ترکیه به بزرگترین شریک تجاری سوریه تبدیل شد. مواضع ترکیه در روند صلح خاورمیانه حمایت از اصل «زمین در برابر صلح»، نقشه راه و ابتکار صلح اعراب است. ترکیه از قطعنامه های ۱۳۹۷ ،۳۳۸، ۲٤۲ و ۱۵۱۵ شورای امنیت سازمان ملل حمایت می کند. با شهرک سازی در اراضی اشغالی مخالفت می کند. بازپس دادن جولان را زمینه ساز صلح سوریه و اسرائیل می داند و راه حل عادلانه و پایدار در پایان منازعه تاریخی خاورمیانه را ایجاد و دولت در کنار مرزهای امن و شناخته شده می داند . به رغم آنکه ترکیه از بسیاری از اقدامات خود برای ایجاد صلح در منطقه نتیجه نگرفته است اما آنچه که به دست آورده معرفی خود به عنوان یک بازیگر مهم، معتبر و اثرگذار و همچنین یک میانجی خیرخواه در منطقه و بهره گیری از این ایفای نقش در تامین حداکثر منافع ملی خود بوده است. (آقا علیخانی، ۱۳۹۰: ٥٤). در کل باید گفت براساس چارچوب نظری سازه‌انگاری، ترکیه در ساختار مادی و هنجاری خاص و متمایزی در منطقه جای گرفته است و نخبگان ترکیه تلاش می کنند که پتانسیل‌های تأثیرگذاری کشور خود را بر این ساختار مدنظر قرار دهند.از نظر اردوغان، ترکیه تنها کشور خاورمیانه است که می‌توان با مجموعه‌ای از کشورهای متضاد مانند ایران، اسرائیل، آمریکا، اعراب و اروپا تعامل داشته باشد و این به منزلهٔ قدرت نرم ترکیه است که کمتر کشور چنین توانایی را داراست. ترک‌ها معتقدند برای جبران تحقیر تاریخی از سوی اروپا، باید اروپا را به التماس‌کردن از ترکیه واداشت، زیرا ترکیه در یک منطقه حساس سیاسی و انرژی واقع شده است و این اروپاست که به ترکیه نیاز دارد. ترکها بر این باورند که ترکیه دارای قدرت نرم برای مدیریت مسائل جهان اسلام است و غرب باید این امر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

را باور کند، زیرا ترکیه جزء ۵۰ کشور نخست جهان از نظر دارا بودن اکثریت مسلمان است و تنها کشوری است که عضو ناتو و در جریان مذاکره برای پیوستن به اتحادیه اروپا است (امیدی و رضایی، ۱۳۸۹: ۲۴۲).

همچنین جدیدترین نمود سیاست خارجی نئوعثمانی‌گرایی ترکیه را در بحران‌های اخیر جهان عرب باید دنبال کرد. با شروع سال ۲۰۱۱ و تحولات در جهان عرب که به بهار عربی معروف شده است، با توجه به شکل‌گیری نگرش مثبت به ترکیه در جهان عرب، ترکیه نقش فعال‌تری را در تحولات مربوط به تونس، لیبی، سوریه و به ویژه مسئله فلسطین برعهده گرفته است. تحت تأثیر این تحولات در یک دهه اخیر مناسبات ترکیه با جهان عرب در راستای سیاست نگرش به شرق گسترش قابل توجهی را نسبت به قبل پیدا کرده است. اما تحولات بهار عربی پیچیدگی‌های خاصی را به سیاست خارجی ترکیه بر این منطقه سایه افکنده است، زیرا ترکیه با دولت‌های حاکم بر این منطقه مناسبات سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای را ایجاد کرده بود، که همزمان نمی‌توانست همان سطح از مناسبات را با اپوزسیون و گروه‌های مردمی مخالف ایجاد کند. با توجه به روند تحولات سیاست خارجی ترکیه در چند سال اخیر به نظر می‌رسد در کشورهایی که چشم‌انداز تضعیف و فروپاشی رژیم نمایان شده است، ترکیه تلاش کرده است با میزبانی اجلاس‌های مخالفان و همکاری با نیروهای بین‌المللی مانند ناتو و شورای امنیت موقعیت مناسبی را برای آینده مناسبات خویش با این کشورها فراهم کند. لیکن در کشورهایی که چشم‌انداز تحول جدی نیست یا شانس نظام حاکم برای تداوم حکومت خویش نسبتاً قطعی به نظر می‌رسد، ترکیه مواضع محتاطانه‌ای اتخاذ کرده، تلاش می‌کند برای حفظ منافع و مراودات خویش همچنان با این نظام‌ها مناسبات حسنه خویش را ادامه دهد. هرچند به طورکلی بر اصلاحات و توجه به خواست گروه‌های مردمی و مخالف تأکید می‌نماید. با این حال، پاره‌ای از صاحبنظران در کشورهای عربی مهم‌ترین چالش سیاست خارجی ترکیه در منطقه و جهان عرب را که آینده می‌تواند به عنوان محدودیتی در گسترش روابط ترکیه و جهان عرب نقش ایفاء کند، شکل‌گیری بلوک مذهبی- عربی و افزایش نقش‌آفرینی مصر و پیشینهٔ عثمانی ترکیه در جهان می‌دانند که در کنار چالش مشکل صفر با همسایگان در تحولات بهار عربی که مبتنی بر شکل‌دهی و برنامه‌ریزی با دولت‌ها و یا گروه‌های اپوزسیون می‌باشد، می‌توان تحلیل نمود (حیدری و رهنورد، ۱۳۹۰: ۱۵۷-۱۵۸).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۳. سیاست خارجی نئوعثمانی‌گری ترکیه و چالش های آن برای ج.ا.ایران

در دوره زمانی ۲۰۰۲ از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه تا سال ۲۰۱۲ ، چالشهای متعددی را می توان از منظر سیاست خارجی ترکیه برای ج.ا.ایران ترسیم کرد که البته نافی نکات قوت و مثبت آن نیست، اما این پژوهش تمرکز خود را بر احصای این چالشها قرار داده است .

نمود عثمانی‌گرایی جدید را می‌توان در ایجاد ارتباط بین هویت اسلامی، اوراسیایی و اروپایی ترکیه و ترغیب این کشور برای بهبود روابط با تمام همسایگان و از آن جمله با کشورهای خاورمیانه جستجو کرد. با سقوط رژیم عراق، زمینه‌های مساعدی برای ناسیونالیسم کردی در عراق فراهم شد، ترکیه فعالیت‌های بیشتری را برای یافتن متحدان ضدکردی در ایران و سوریه پی گرفت و روابط آنکارا با تهران و دمشق به صورت قابل توجهی رو به بهبود نهاد (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ٢٤٦). بر همین اساس است که در سال‌های اخیر روابط ایران و ترکیه رو به گسترش نهاده است، ثبات نسبی حاکم بر روابط ایران و ترکیه باعث مرتفع شدن سوءتفاهم‌ها و ایجاد زمینه‌ای مناسب برای اعتمادسازی دوجانبه شده است. همکاری‌های دو کشور ایران و ترکیه در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی گسترش یافته و همکاری‌های درازمدت آتی در عرصه‌های امنیتی، مبارزه با تروریسم و احداث خطوط لوله انتقال گاز طبیعی، مدنظر دو طرف است. اوضاع سیاسی در شمال عراق و آینده اکراد این کشور از دیگر حوزه‌های همکاری ایران و ترکیه است. ایران و ترکیه به شدت با نفوذ اسرائیل در شمال عراق و جدایی طلبی کردها از دولت مرکزی عراق، مخالف هستند. گسترش حجم تبادلات تجاری و بازرگانی ایران و ترکیه در سال‌های اخیر بر کسی پوشیده نیست (نقدی‌نژاد، ۱۳۸۷).

اما با وجود این تأثیرات مثبت، سیاست خارجی ترکیه تأثیر گفتمانی منازعه‌آمیزی بر ایران و سیاست خارجی آن در منطقه دارد. براساس نظریه‌سازه‌انگاری متغیرهای تأثیرگذار بر روند واگرایی دو کنشگر در قالب تفاوت‌های هویتی، فرهنگی، تاریخی و ایدئولوژیک مورد بررسی قرار می‌گیرند (عباسی؛ ۱۳۹۲: ۱۱). بنابراین در ادامه، از منظری سازه‌انگارانه، برخی از مهم‌ترین حوزه‌های چالش‌برانگیز سیاست خارجی نئوعثمانی‌گرایی ترکیه برای ج.ا.ایران تحلیل خواهد شد.

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۳-۱ توسعه مدل غربی دموکراسی و حقوق بشر

در تحلیل سیاست خارجی ترکیه و ایران باید به برداشت نسبی‌گرایانه از حقوق بشر و دموکراسی توجه داشت. نسبی‌گرایی باوری است که ارزش‌ها را نسبی و ذهنی می‌داند و به هیچ ارزش مطلق و عینی و عامی که به حکم عقل و علم قابل اثبات باشد باور ندارد. آن‌ها این برداشت را به مفاهیمی نظیر دموکراسی و حقوق بشر نیز بسط می‌دهند.حقوق بشر و دموکراسی مفاهیمی مثل مفاهیمی نظیر آب، خاک، سنگ نیست که فارغ از ایدئولوژی حتی جهان‌بینی و نگاه مفسر معنا شود. بلکه همانند ظلم و عدالت مفاهیمی هستند که از نگاه مفسر به جهان، به هستی، به فرجام انسان تأثیر می‌پذیرند. بر همین اساس است که کشورهای در حال توسعه غرب را متهم می‌کنند که بر دیدگاهی جهانشمول و مفهومی غربی از دموکراسی و حقوق بشر برای توسعه به سایر نقاط جهان تکیه می‌کند. نسبی‌گرایان استدلال می‌کنند که با وجود مشترکات، شرایط میان جوامع تا حد زیادی متفاوت است، در نتیجه نیازمند توجه به برداشت های مختلف از حقوق بشر هستیم.نسبی‌گرایان رویکرد جهانشمولی را به امپریالیسم فرهنگی متهم می‌سازند. (Christie, 1995: 206). براساس این تحلیل، مبنای تحلیل سازه‌انگارانه و هویتی از دموکراسی و حقوق بشر فراهم می‌گردد. دموکراسی و حقوق بشر چارچوبی برای سازماندهی روابط بین دولت‌ها و افراد بشری تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، حقوق بشر ودموکراسی قواعد تکوینی هستند که بخشی از مشروعیت هویت و کنش‌گری دولت‌ها را تعریف می‌کنند. یعنی همانگونه که حاکمیت برای دولت‌ها نقش هویت‌آفرینی دارد، گفتمان حقوق بشر و دموکراسی غالب بر آن نیز به عنوان بخشی از گفتمانی که هویت حاکمه دولت ها را تعریف می کند، عمل می‌کند و می‌تواند باعث شود دولت‌ها با توجه به این‌که تا چه حد با این گفتمان به خود هویت می بخشند از دید جامعه بین‌المللی هویت های متفاوتی پیدا کنند (مشیرزاده و مسعودی؛ ۱۳۸۸: ۲٦٦).

بر همین اساس، ترکیه نوعی صورت بندی از حقوق بشر و دموکراسی را به منطقه و ایران توسعه می‌دهد که در تعارض جدی با برداشت و تفسیر غالب ایران قرار می‌گیرد. قرائت حزب عدالت و توسعه ترکیه در چارچوب دکترین نئوعثمانی گری، از اسلام به نحو متفاوتی از ایران است.

این حزب اصولاً وابسته به جریان روشن‌فکری دینی در ترکیه است که قرائت‌های آن از

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

مبانی اسلامی با قرائت سنت‌گرایان متفاوت است. ویژگی این جریان معرفی اسلام «رحمان و رحیم» است که همه انسان‌ها را دارای حقوق طبیعی وبرخوردار از کرامت انسانی می‌داند. در این قرائت از اسلام، خشونت، ترورهای کور، مطلق‌اندیشی و مطلق‌بینی جایگاهی ندارد. روشنفکری دینی در ترکیه توانسته است با مهارت و واقع‌بینی میان اسلام و مدرنیته پیوند زند و مبانی و اصول مدرنیته را بومی یا ترکی کند. آرام آرام بخش‌های قابل توجهی از مردم ترکیه قانع شده‌اند که می‌توان هم مسلمان بود، هم یک ملی‌گرای واقعی ترک و هم می‌توان به مبای مدرنیته در قلمرو سیاست و اقتصاد متعهد بود (یزدی، ۱۳۸۲). ترکیه بر اساس رویکرد خود از اسلام و به دور از ایده‌های اسلام سیاسی تلاش می‌کند وضعیت دموکراسی و حقوق بشر را درخاورمیانه با استفاده از الگوی غالب لیبرالی و غربی بهبود ببخشد. ترکیه هم از لحاظ تفکر و هم از لحاظ سیاست‌گذاری برای این منظور فعالیت می کند. ترکیه در قالب سیاست خارجی جدید خود به ویژه در سال‌های اخیر و در جریان تحولات موسوم به خیزش عربی در طرفداری از مردم کشورهای همسایه موضع‌گیری می‌کند و تلاش دارد سیاست خارجی آن در خاورمیانه □رنگ دموکراتیک□ به خود بگیرد که می‌تواند بازتابی از تلاش این کشور برای سوق دادن سایر کشورها به سمت لیبرال دموکراسی باشد؛ روندی که اکنون در خود این کشور جریان دارد. پس ترکیه تلاش برای معرفی نوعی الگوی اعتدالی، مدرن و دموکراتیک به منطقه دارد و به نوعی مدعی رهبری خاورمیانه به سوی دموکراسی و حقوق بشر لیبرالی است. حقوق بشر و دموکراسی بحث هنجاری و هویتی است و صورتبندی گفتمانی ترکیه از آن در تعارض هویتی با برداشت اسلام سیاسی ایران قرار می‌گیرد. ایران خود را پایبند به نوعی تفسیر از حقوق بشر و دموکراسی می‌داند که برخاسته از اسلام است و در بسیاری از جهات تلاش می‌کند قوانین شرعیت مبتنی بر تفسیر شیعه را توسعه دهد. در نتیجه باید گفت که اسلام سیاسی ایران تفسیر خاصی از حقوق بشر و دموکراسی ارائه می‌دهد که مرزبندی هویتی روشنی با تفسیر سکولار غالب بر ترکیه دارد. بنابراین، سیاست خارجی نئوعثمانی‌گرایی ترکیه، تلاش این کشور برای نفوذ به کشورهای منطقه و ایران و ترویج تفسیر لیبرالی رایج این کشور از حقوق بشر و دموکراسی به آنها می‌تواند تأثیرات منفی برای ایران به بار بیاورد.

حزب عدالت و توسعه به عنوان بستر سیاسی و اجرایی دکترین نوعثمانی گری، سکولاریسم را ضامنی برای آزادی–های مذهبی معرفی می‌کند و تفسیر سکولاریسم به عنوان

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

دشمن دین را رد می‌کند. این حزب، تبعیض ضد انسان–های دیندار را امری غیردموکراتیک می‌داند و به همین دلیل، اعضای آن معتقدند که سکولاریسم باید با دموکراسی ترکیب شود تا بتواند آزادی‌ها و حقوق بنیادین انسان‌ها را محافظت‌کند. طیب رجب اردوغان در این خصوص، معتقد است که «دولت به‌منظور تعریف ماهیت سکولاریسم باید نسبت به همه نظریات، دکترین‌ها و مذاهب، موضعی بی‌طرفانه اتخاذ کند»(Erdogan,2003:72)؛ در ادبیات حزب عدالت و توسعه، نقش اسلام به سطوح فردی تقلیل‌می‌یابد و در این راستا اردوغان معتقد است که «اگرچه مردم می‌توانند در زندگی خصوصی خود، دیندار باشند، دولت نمی‌تواند مذهبی خاص داشته‌باشد» (Erdogan,2001: 5)؛ همچنین بلنت آرینچ، رئیس سابق پارلمان ترکیه از حزب عدالت و توسعه، استدلال می کند که سکولاریسم در ترکیه باید به شیوه‌ای لیبرال تر بازتعریف شود؛ به شیوه‌ای که بر حقوق و آزادی‌های دینی افراد تأکیدشود. از نظر ارینچ، این روایت جدید از سکولاریسم مبتنی‌بر این حقیقت است که ترکیه همواره چهارراه تمدن‌های مختلف بوده‌است؛ یعنی بخشی از تاریخ ترکیه مربوط به غرب و بخشی دیگر، به شرق مربوط است و بنابراین سکولاریسم در ترکیه باید با توجه به بسترهای فرهنگی– اجتماعی دوگانه این کشور تعریف شود (Arinc,2003: 3). آکدوغان، یکی دیگر از نظریه‌پردازان حزب عدالت و توسعه، استدلال می‌کند که به‌منظور محافظت از آزادی های دینی در ترکیه، سکولاریسم باید از چشم‌اندازی دموکراتیک مورد بازتعریف قرار گیرد. به نظر او تعریفی محدود از سکولاریسم، آن‌طورکه توسط کمالیست‌ها صورت‌می‌گیرد، می‌تواند به نوعی ایدئولوژی انحصارگرا، تمامت‌خواه و ژاکوبنی تبدیل‌شده به مناقشات اجتماعی دامن زند (Akdogan, 2003: 105)؛ در نتیجه، آکدوغان مدل آمریکایی سکولاریسم را به دلیل فقدان تعریف ایدئولوژیک و تأکید روی آزادی‌های مذهبی بر تعریف موجود در ترکیه ترجیح می‌دهد (امام جمعه زاده و دیگران؛ ۱۳۹۲: ۶۲–۶۳).

این امر در تحولات خیزش عربی منطقه و حمایت ترکیه از مخالفان دولت سوریه که مناسبات استراتژیک با ایران دارد، به وضوح قابل مشاهده است. در چارچوب نظری سازه انگاری، آنها معتقدند که هویت ها با فراهم آوردن معنا، تردیدها را کاهش می دهند. همچنین با دادن توانایی به یک کشور برای شناخت دشمنان خود می توانند در شکل گیری راهبردهای سیاست خارجی مؤثر باشند. از دیدگاه سازه انگاران کاهش تردیدها و خصومت میان دولت‌ها

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

از راه توسعه هویت و هنجارهای مشترک می باشد. در مجموع سازه انگاران در این خصوص در چند عامل زیر اشتراک عقیده دارند: الف: آنها معتقدند که بازیگران و ساختارها به صورت متقابل ساخته می شوند. تعاملات بازیگران، ساختارهای بین المللی را شکل می دهد و این ساختارها نیز رفتار بازیگران را تعیین می کنند. ب: از دیدگاه آنها هویت و منافع متغیرهایی درونی هستند. هویت ها به صورت مستمر از طریق تعامل بازیگران ساخته می شوند و منافع از هویت های خاص سرچشمه می گیرند. ج: آنها قدرت را فقط در عوامل مادی خلاصه نمی کنند و بر قدرت ایده ها و اندیشه ها نیز تأکید دارند. د: ضمن توجه به عوامل مادی تأثیرگذار بر شکل گیری سیاست خارجی دولت ها، نقش فرهنگ و هویت ها را در این خصوص مهم ارزیابی می کنند.(عباسی، ۲۵:۱۳۹۲). ایران و ترکیه هرکدام دیدگاه‌هایی خاص نسبت به مسائل و تحولات منطقه دارند که همسو با جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی هر یک از دو کشور است. در این چارچوب طبیعی است که درک دو کشور از تحولات جهان عرب و پیامدهای آن انعکاس‌دهنده دیدگاه‌ها، امیدها و برنامه‌ریزی‌های آتی آن‌ها باشد. دیدگاه ترکیه در مورد انقلاب‌های جهان عرب براساس این ایده است که کشورهای منطقه به سوی دموکراسی حرکت خواهند کرد و این امر نیز اجتناب‌ناپذیر است. در راستای این ایده، ترکیه اقدام به پشتیبانی و حمایت از خواسته‌های مردم کشورهای عربی کرده و تأکید می‌کند که این خواسته‌ها، ارزش‌هایی مانند دموکراسی، آزادی و حقوق بشرند که ترکیه به آن‌ها اعتقاد دارد. در نتیجه، در چشم‌انداز ترکیه تا زمانی که اراده واقعی برای تغییر وجود دارد، اصلاحات رادیکال در هر رژیمی امکان‌پذیر است. موضع‌گیری‌ها و عملکرد سال‌های اخیر دولت ترکیه حاکی است که رهبران این کشور در تلاش برای رهبری جهان اسلام و ارائه مدلی جایگزین از اسلام سیاسی هستند که با برداشت جمهوری اسلامی ایران از اسلام متفاوت است. در این راستا تأکید بر هویت اسلامی دولت آنکارا و پیوندهای عمیق آن با جهان اسلام و ترمیم نگاه مسلمانان به ترکیه از یک سو، و نزدیکی با جهان غرب و اروپا از سوی دیگر مورد توجه قرار گرفته است (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

۳-۲ مداخله در منطقه خاورمیانه (رقابت در عراق ؛ برخورد در سوریه)

یکی محورهای اصلی سیاست خارجی جدید ترکیه توجه و تأکید بر هویت تاریخی خود، یعنی منطقهٔ خاورمیانه است. این تأکید در بسیاری از موارد می‌تواند چالش‌های و تأثیرات

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

منفی بر سیاست خارجی ایران داشته باشد. نمود بارز این چالش را در سوریه می‌توان ملاحظه کرد. سوریه از یک دهه پیش مناسبات به از سرگیری روابط با ترکیه پرداخت. بنابراین، درابتدا دوکشورتصمیم به تشکیل شورایعالی همکاری‌های استراتژیک گرفتند و همچنین لزوم صدور ویزا برای مسافرت اتباع دو کشور به یکدیگر را لغو کردند.در مراحل بعدی، دولت ترکیه حتی درصدد میانجیگری میان سوریه و اسرائیل برآمد. اما با شروع تحولات اخیر سوریه نیز، ترکیه در ابتدا سیاستی میانجیگرانه در پیش گرفت و با حمایت از انجام اصلاحات در سوریه و حتی توصیه به بشار اسد برای انجام اصلاحات به منظور به دست‌گرفتن اوضاع، طرفین را به خویشتن‌داری و مماشات دعوت کرد. اما اندکی بعد ترکیه تحولات سوریه را غیر انسانی خواند و از بشار اسد خواست تا قدرت را رها کند و حتی در راستای سیاست جدید خود نه تنها به مخالفان دولت سوریه امکان عبور از خاک خود و حمل سلاح را به داخل خاک سوریه داد، بلکه خود نیز تا درگیری نظامی با سوریه پیش رفت. در کل باید گفت که تضعیف سوریه و فروپاشی رژیم بشار اسد به منزلهٔ از بین رفتن یکی از مهم‌ترین متحدان استراتژیک ج.ا.ایران است.

در مقابل رویکرد مداخله گرایانه فعال ایران در سوریه در چارچوب یک راهبرد بلندمدت و تأمین‌کننده اهداف و منافع، ترکیه تأمین مالی، تسلیحاتی، حمایت سیاسی و بین‌المللی از مخالفان بشار اسد را در دستور کار خود دارد که نمودی از سیاستهای غیردوستانه دولت ترکیه نسبت به همسایه خود بشمار می رود. اقدامات دیگر ترکیه در قبال بحران سوریه پذیرش هزاران تن از آوارگان سوری بود که به مرز دو کشور پناه آورده بودند. ترکیه اقدام به اسکان این آوارگان در اردوگاههای مستقر در بخش ترکیه ای مرز دو کشور کرد. البته باید خاطرنشان کرد که دولت ترکیه درعین اتخاذ مواضع انتقادی نسبت به دولت سوریه، تماس ها با این دولت را کماکان در دستور کار قرار داد. در روز ششم آگوست ۲۰۱۱ رجب طیب اردوغان اعلام کرد که وزیر خارجه ترکیه را برای دادن پیامی قاطع به بشار اسد به سوریه خواهد فرستاد. چند روز پس از آن احمد داود اوغلو به دمشق رفت و سه نشست مختلف با بشار اسد برگزار کرد. وی در این دیدار خواستار قطع سریع برخورد دولت با معترضان شد و درعین حال از تداوم مذاکرات با دولت سوریه خبر داد.» (مسعودنیا و دیگران؛ ۱۳۹۱: ۱۲۷).

مطالعه رویکرد ترکیه نسبت به بحران سوریه گویای آن است که تقابل بین هستی‌شناسی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

نوعثمانی گری و کمالیستها از منظر سازه‌انگارانه به اوج خود رسیده است. در این زمینه مشاهده می‌شود که نظامیان ترکیه همکاری این کشور و اسرائیل برای رصد بحرانهای خاورمیانه را کافی می‌دانند، اما اسلام‌گرایان این موضع را رد کرده و تلاش برای بازسازی نقش تاریخی ترکیه دارند. سیاست تغییر رژیم که توسط ترکیه در سوریه پیگیری می‌شود سبب وارد شدن کشورهای عربی مانند عربستان و همچنین اسرائیل به صحنه بازی شده است که این امر نیز تنش و چالش میان ج.ا.ایران و ترکیه را از ابتدای شروع بهار عربی افزایش داده است. علاوه براین، تمایل بیش از پیش ترکیه به عربستان نیز روابط دو کشور را با فراز و نشیب های متعددی مواجه نموده است. با این وجود، گروه های سیاسی مختلف به ویژه کمالیست ها به شدت مخالف دخالت عمیق ترکیه در تحولات منطقه می‌باشند، چرا که آن را فراتر از ظرفیتهای واقعی سیاسی، استراتژیک و اقتصادی ترکیه می‌دانند. در نتیجه این تحولات، نوعی واگرایی در ساختار سیاسی و نظامی ترکیه مشاهده می‌شود، چرا که نظامیان را از اسلام‌گراها و نیروهای امنیتی وابسته به آن جدا ساخته است.

تحولات اخیر سوریه نشان می‌دهد که ترکیه در زمین بازی سوریه تغییر اساسی در سیاست نئوعثمانی گری خود داده و به دکترین کاهش مشکلات با همسایگان روی آورده است. در واقع ترکیه در ابتدای بحران سوریه که از همه گروههای معارض نظامی و سیاسی علیه بشار اسد حمایت می‌کرد با رسانه‌ای شدن عملکرد گروههای چون داعش و القاعده و همچنین پیروزی محور ایران- روسیه- سوریه، اولویت تغییر در سیاست خود را پذیرفته است. این تغییر سیاست به دلیل تقویت حمایت مردمی ترکیه از دولت این کشور و تأکید بر ادعای رهبری جهان اسلام و رسیدن به جایگاه مرجعیت منطقه ای و متعاقب آن گسترش حوزه «نفوذ» از شمال آفریقا تا دریای سیاه و دریای خزر لحاظ می‌شود. هدف دیگر ترکیه در تمایزگذاری گروههای معارض سوری آن است که حزب عدالت و توسعه را به سمت اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی در منطقه سوق داده است که پیگیری این هدف نیز به تقابل دولت ترکیه با کشورهای همجوار از جمله روسیه، ایران و عراق دامن زده است. این سیاست که از تشکیل یک کمربند امنیتی حفاظتی در سرتاسر ناحیه شمالی جهت جلوگیری از تسری پیامدهای تحولات «بحران زا»ی منطقه ای هدف دیگری است که دولت ترکیه از طریق سیاست خارجی میلیتاریستی و سخت افزاری در صدد عملیاتی نمودن آن می باشد

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

(قربانی‌دازمیری و قربانی، ۱۳۹٤).

ترکیه به عنوان یکی دیگر از قدرت‌های منطقه خاورمیانه، منافع و مسائل امنیتی خود در عراق نوین را با مسئله کردها وحفظ تمامیت ارضی خویش تعریف می‌کند. در میان همسایگان عراق ترکیه تنها کشوری است که ادعای ارضی نسبت به عراق دارد. این امر موجب شده است زمامداران عراق و دولت اقلیم کردستان بر خلاف رویه معمول خود در مقابل ترکها سیاستی محافظه کارانه‌تر نسبت به دیگر همسایگان خود اتخاذ نمایند. برتری جغرافیایی ترکیه و وابستگی عراق به منابع آبی و خطوط انتقالی این کشور از یکسو و برتری موقعیت استراتژیکی ترکیه در بخش کوهستانی شمال عراق از سوی دیگر باعث اتخاذ چنین سیاستی تهاجمی از طرف ترکها شده است. همچنین حضور آمریکا و تحولات عراق باعث رشد بنیادگرایی و ترقی گروههای تروریستی کرد در ترکیه می‌باشد (جعفری–ولدانی،۱۳۸۸: ١٦٥). مسئله کردها و مطرح شدن موضوع فدرالیسم، فعالیت گروه تجزیه طلب پ.ک.ک، حضور اسرائیل در شمال عراق و ناامنی داخلی عراق از مهمترین دغدغه های ترکیه در عراق جدید است. از آنجا که منافع آمریکا در کردستان عراق همپوشانی چندانی با منافع ترکیه ندارد، باعث شده تا حمایت ضمنی آنها از کردها نگرانی ترکیه را دوچندان نماید. همچنین حضور آمریکا مهمترین عامل بازدارنده اقدامات یک جانبه ترکیه در شمال عراق یا کردستان است. «در حالی که آمریکا بر مبارزه با تروریسم در هر شکل آن تاکید می کند، اما از سوی دیگر به فعالیت پ.ک.ک در شمال عراق بی تفاوت بوده و حتی غیر مستقیم سلاح های انها را تامین می کند. بدلیل مخالفت منطقه ای با تشکیل دولت کردی، چنین دولتی در پی خروج از انزوا و هم پیمانی با قدرت های بیرونی است.» (نظری؛۱۳۹۳: ۱۰۲). حوزه دیگر به مسائل لبنان و فلسطین مربوط می‌شود. تمام تحلیل‌گران جهان اسلام می‌دانند که کلید تحولات جهان اسلام، مسئله فلسطین است. این نگاه برگرفته از تاریخ تحولات جهان اسلام در قرن بیستم است. حرکت‌هایی هم چون اقدامات جمال عبدالناصر، قذافی، صدام و ... که رویای رسیدن به رهبری جهان عرب را در سر داشتند موید این مطلب است (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۵۲). هرچند اقدامات ترکیه برای نقش‌آفرینی فعال در عرصه سیاسی لبنان با موفقیت همراه نشد، اما افزایش نفوذ این کشور درعرصه سیاسی فلسطین مشهود است.

ترکیه در قالب راهبرد عمق استراتژیک خود و بر اساس سیاست نوعثمانی‌گری، به

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

خاورمیانه از ابعاد مختلف به عنوان بهترین دارایی خود می نگرد. فرصتهای اقتصادی موجود در این منطقه که از عقب ماندگی شدید رنج می‌برد، جامعه بی‌سواد و بی اطلاع از رویدادهای جهانی، نظامهای فاسد، جنبشهای متعدد اسلام‌گرای و سکولار در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا این فرصت طلایی را برای ترکیه در حال رشد فراهم ساخته است تا به این منطقه به عنوان مرکز سیاستهای توسعه طلبانه منفعت‌محور خود بیاندیشد. «ترک‌ها در راستای تبدیل شدن به قدرت مرکزی و حفظ این موقعیت تلاش دارند بحران‌های منطقه خاورمیانه را مدیریت کنند و با همکاری با اسرائیل، عربستان و آمریکا خود را تنها بازیگر موثر در این منطقه نشان دهند.» (محمدشریفی و دارابی منش؛۱۳۹۲: ۱٤۱). این کشور بعد از به قدرت رسیدن اسلام‌گراها با تغییر در مدل سیاست خارجی واقع‌گرایانه دوران کمالیسم به سیاست خارجی عثمانی‌گریی تلاش دارند از یک رویکرد سازه‌انگارانه در تحولات خاورمیانه پیروی کنند. «ترکیه از آنجایی که نقش قدرت مرکزی منطقه را از آن خود می‌داند، در راستای تقویت این جایگاه حق تصمیم گیری و عمل اختیاری در برابر آمریکا و غرب را برای خود محفوظ می‌داند و گاه هم راستا با آمریکا و گاه مخالف خواست آن کشور عمل می‌کند.» (اطهری؛۱۳۸۹: ۱۰۲). این سیاست نشانگر آن است که ترکیه تلاش دارد استقلال عمل خود در خاورمیانه را برای رقبای تاریخی خود در برابر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حفظ نماید. به عنوان مثال در مورد مسأله استقلال کردهای عراق گرچه با ایران منافع مشترک دارد، اما با استقلال این منطقه بیش از ایران موافق است. حال انکه در مورد مسأله کردهای سوریه مخالفت شدید خود با استقلال یا حتی خودمختاری آنها را با تهدید نظامی همواره دنبال کرده است. در مجموع پیرامون اصول کلی سیاست نوعثمانی‌گری ترکیه در قبال خاورمیانه می‌توان گفت که سه عامل دین، امنیت و اقتصاد موجبات همکاری بین این کشور و دیگر کشورهای خاورمیانه را تا پیش از شروع بهار عربی در خاورمیانه فراهم می‌ساخت. اما بعد از بهار عربی و بحران سوریه، عراق و شمال آفریقا این عوامل به مسائل اساسی بین ترکیه و کشورهای عرب خاورمیانه تبدیل شده‌اند، چرا که برداشت سکولار ترکیه از دین با برداشتهای دینی کشورهای مصر، تونس عراق و سوریه همخوانی ندارد. همچنین فقدان امنیت به عنوان مهمترین عامل بی‌ثباتی در منطقه به دلیل دخالتهای مستقیم ترکیه و عربستان در عراق ، سوریه و لیبی موجب پیدا شدن چالشهای اساسی در سیاست نوعثمانی گری ترکیه در این منطقه شده است. از نظر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

اقتصادی نیز به دلیل فقدان ساختار باثبات سیاسی در خاورمیانه، ترکیه با مشکلات جدیدی از جمله عدم اطمینان از سرمایه‌گذاری روبرو شده است. این دلایل نشان می‌دهد که حداقل سیاست نوعثمانی‌گری ترکیه در خاورمیانه در کوتاه مدت با شکست مواجه گردد.

۳-۳ ائتلاف ترکیه و کشورهای عرب علیه ایران و پیوستن ترکیه به محور سنی در منطقه

بعد از تحولات جهان عرب موسوم به بهار عرب استراتژی ایجاد توازن ترکیه در خصوص تحولات منطقه تغییر کرده و ترکیه بطور فعال در صدد تقویت محور سنی در منطقه و نقش‌آفرینی در قالب آن برامده است و این رویکرد ترکیه به ویژه در مورد بحران سوریه به خوبی قابل مشاهده می‌باشد. تخریب روابط ایران و ترکیه و شکاف بین این دوکشور منجر به نزدیکی هر چه بیشتر طرف ترک به اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس خواهد شد که نهایتا به تقویت قطب سنی در منطقه خواهد انجامید و کاملاً به ضرر ایران و محور شیعی خواهد بود (عرب، ۱۳۹۱) ترکیه به طور رسمی از سال ۲۰۰۸ با امضای پیمان راهبردی سیاسی، اقتصادی و امنیتی با شورای همکاری خلیج فارس وارد این حوزه شد. این پیمان در نوع خود، اولین پیمان بین شورای همکاری خلیج فارس و دولت‌های دیگر بود. از طرف دیگر، درک جمهوری اسلامی ایران از انعقاد این پیمان، تمایل شورای همکاری خل ج فارس به ایجاد توازنی راهبردی با انگیزه مقابله با ایران بوده است. همین موضوع تا حد زیادی باعث نگرانی ایران از اقدامات ترکیه در خلیج فارس شده است. به نظر می‌رسد این نگرانی تهران منطقی است، زیرا از دیدگاه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، همکاری راهبردی با ترکیه می‌تواند به تعادل قدرت ایران در خلیج فارس کمک کند. در این راستا کشورهای عربی حوزه خلیج فارس عضویت ترکیه به عنوان یک عضو ناظر در اتحادیه عرب، حمایت از تلاش‌های این کشور برای میانجیگری میان سوریه و اسرائیل و تقویت همکاری با ناتو را در دستور کار خود قرار دادند (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

به واقع می‌توان گفت عربستان و ترکیه در سوریه و عراق خود را در یک اردوگاه می بینند. هر چند تفاوت‌هایی نیز بین آنها وجود دارد. اما همه این تفاوتهای ایدئولوژیک و سیاست‌گذاری باوجود تهدید هلال شیعی و استمرار حکومت سوریه موجب شده تا همکاری ترکیه و عربستان در بحران عراق و سوریه تداوم یافته و ارتقا یابد. در واقع می‌توان گفت که همکاری دو کشور در موضوع هلال شیعی از باورهای اعتقادی حاکم بر ذهنیت سیاست

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

گذاران ترکیه و عربستان تأثیر می پذیرد تا اینکه یک مسئله سیاسی و امنیتی باشد. ادامه این هلال سنی با گسترش روابط ترکیه با کشورهای خلیج فارس به ویژه قطر معنی پیدا می‌کند.

در واقع رویکرد آشتی‌جویانه ترکیه با کشورهای عرب خلیج فارس فرصت تاریخی برای مقامات ترکیه تحولات بهار عرب فراهم ساخته است که به تقویت قدرت نرم خود در نظام بین الملل از طریق تسری الگوی حکومتی خویش به کشورهای عربی و کنترل اسلام رادیکال می‌داند. در مقابل نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه و جلوگیری از ارائه الگو تفکر هلال شیعی به عنوان یک شیوه حکمرانی در منطقه، رویکرد مقامات ترکیه به عربستان و گسترش همکاری اقتصادی و سیاسی، رویکردی میان دو جریان افراطی است که در طول قرن بیستم اقتدار گرایی سکولار و افراط گرایی اسلامی را رد کرده و آشتی دموکراسی غربی و اسلام را در عمل نشان می‌دهد. در واقع گسترش همکاریها بیانگر آن است که نوعثمانی‌گراها برای کشورهای ثروتمند خلیج فارس سعی دارند الگوی عملی اسلام مدرن غربی را در همکاری های دوجانبه امکان پذیر سازند. نظام نوین ترکیه که حاوی هر دو دسته از عناصر دموکراسی سکولار و ارزش های اسلامی است، مدل جذابی را به کشورهای منطقه ارائه می دهد.

داود اوغلو در تأیید ادعای جذابیت این مدل، به موضعگیری برخی احزاب اسلامی مهم در تونس و مصر در تمجید از نظام سیاسی ترکیه و رویکرد جدید عربستان به این کشور اشاره دارد. توجه ترکیه به ایده اسلام میانه رو در روابط خود با عربستان و دیگر کشورهای سنی مذهب خلیج فارس و دریای سرخ از آن روی است که با تسری الگوی ترکیه به کشورهای منطقه، جنبه های اسلامی حکومت ترکیه که از آن به عنوان اسلام میانه رو یاد می کنند از یک طرف و نیز تأکید ویژه بر توسعه و پیشرفت اقتصادی زمینه بالایی برای پذیرش این نوع حکومت در کشورهای منطقه ایجاد می کند. در عین حال رجب طیب اردوغان تأکید می کند که ترکیه طی سال های اخیر در یک روند کاملاً دمکراتیک حرکت و ترکیبی از آشتی موفقیت آمیز اسلام با دمکراسی، حکومت قانون و توسعه اقتصادی را به نمایش گذاشته است که در کشورهای پادشاهی عربی و یا شیخ نشینهای عربی این امکان تقریبا غیر ممکن است. لذا ترکیه به هنگام گسترش روابط خود با این کشورها امیدوار است تا با ارائه الگوی نظام حکومتی خویش به آنها زمینه مساعدتری را برای بسط نفوذ خود در منطقه خاورمیانه و کنترل ایران و جلوگیری از گسترش تفکر هلال شیعی فراهم سازد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

در مقابل نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و جلوگیری از ارائه الگو تفکر هلال شیعی به عنوان یک شیوه حکمرانی در منطقه، رویکرد مقامات ترکیه به عربستان و گسترش همکاری اقتصادی و سیاسی، رویکردی میان دو جریان افراطی است که در طول قرن بیستم اقتدار گرایی سکولار و افراط گرایی اسلامی را رد کرده و آشتی دموکراسی غربی و اسلام را در عمل نشان می‌دهد. در واقع گسترش همکاریها بیانگر آن است که نئوعثمانی‌گراها برای کشورهای ثروتمند خلیج فارس سعی دارند الگوی عملی اسلام مدرن غربی را در همکاری های دوجانبه امکان پذیر سازند.

۳-٤ مثلث اسراییل، ترکیه، جمهوری آذربایجان علیه ایران

یکی از بازتاب‌های سیاست خارجی نئوعثمانی‌گرایی ترکیه را می‌توان همراهی این کشور با اسرائیل و آذربایجان دانست. نوک پیکان این مثلث همگرایی چه بخواهیم و چه نخواهیم بر علیه ایران خواهد بود. توافق مخفیانه دولت اسرائیل و دولت آذربایجان که اخبار آن در مجله فارین پالیسی در مارس ۲۰۱۲ درز کرد، بیانگر موضع خصمانه آذربایجان در قبال ایران است و بسیار خطرناک ارزیابی می شود. طبق این توافقات، دولت آذربایجان یک پایگاه هوایی نزدیک مرزهای شمالی ایران را در اختیار اسرائیل قرار می‌دهد. این امر خطر حمله نظامی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران را افزایش می‌دهد. گسترش نفوذ نظامی اسرائیل در آذربایجان، تنش ها میان ایران و اسرائیل را افزایش داده و آن را پیچیده تر خواهد کرد (عرب، ۱۳۹۱). آذربایجان از زمان استقلال خود در ۱۹۹۱ نشان داده است که نزدیک‌ترین دوست اسرائیل در جهان اسلام شده است. شرکت ترکیه به عنوان مهم‌ترین متحد کشور آذربایجان در این محور ضد ایرانی می‌تواند تأثیرات منفی بر نقش ج.ا.ایران در منطقه داشته باشد. نفوذ ترکیه و اسرائیل در منطقه خزر به ویژه آذربایجان باعث شده تا ارتباط مستقیمی با سرنوشت آیندهٔ امنیت انرژی و منابع آبی ایران پیدا کند. «طبق نظر اکثر تحلیلگران، کنترل منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن می‌تواند نماد عینی اعادهٔ قدرت ترکیه در منطقه و همکاری امنیتی آذربایجان با اسرائیل زمینه ساز پیدایی تهدید علیه ایران از جانب شمال غرب خواهد بود. در صورت تحقق این همکاری ترکیه قادر خواهد بود ضمن کنترل قسمت عمدهٔ نفت و گاز بازار جهانی، کشورهای مصرف‌کنندهٔ نفت را که اکثراً دولت‌های غربی هستند، برای دریافت کمک‌های بیشتر اقتصادی تحت فشار قرار دهد، همچنین خواهد توانست جمهوری‌های ساحلی دریای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

خزر را بیشتر به خود وابسته سازد. ترکیه بدون داشتن منابع انرژی همانند اسرائیل تلاش دارد با نفوذ در آذربایجان ضمن کنترل مسیرهای انتقال انرژی و روند انتقال جریان سرمایه از طرف غرب به حوزهٔ خزر، در منافع اقتصادی حاصل از آن نیز شریک شود تا از این طریق قادر شود مشکلات اقتصادی خود را حل کند. (ابراهیمی و دیگران،۱۳۹۵: ۱۹۷). مسئله مهم در رابطه با این همکاری را می‌توان تأثیر گسترش روابط ترکیه و اسراییل بر منافع ایران در خزر دانست. این همکاری از بازتاب‌های چالش برانگیز سیاست خارجی نئوعثمانی‌گرایی ترکیه نشأت می‌گیرد که در آن خواسته‌های تاریخی، هویتی وامنیتی به یکدیگر پیوند خورده است.

در آوریل ۲۰۱۳ روزنامه انگلیسی «ساندی تایمز» خبری منتشر کرد، مبنی بر این که دولت ترکیه می‌خواهد برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، به رژیم اسرائیل پایگاه بدهد. در این گزارش آمده بود که «یاکوف آمیدرور»، رئیس شورای امنیت رژیم اسرائیل، قصد دارد با ارائه پیشنهاد تحویل شماری موشک و فناوری پیشرفته نظامی به ترکیه، از این کشور اجازه استفاده از پایگاه هوایی در فاصله ۱۰۰۰ مایلی مرز ایران را بگیرد. ترکیه به رغم واکنش مبنی بر رد این خبر، اما دولت این کشور موضوع همکاری نظامی با رژیم اسرائیل علیه ایران را به کلی رد نکرده و صرفاً آن را «در مرحله کنونی» منتفی دانسته است؛ به عبارت دیگر، این چشم‌انداز که در آینده چنین همکاری انجام بپذیرد، وجود دارد (تابناک، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد پس از همکاری‌های نزدیک دولت باکو با رژیم اسرائیل و انتشار گاه و بیگاه اخبار مربوط به احتمال واگذاری پایگاهی در قلمرو این دولت به رژیم اسرائیل، این بار باید شاهد باشیم که پس از رسیدن روابط آنکاراـتل آویو به «مرحله مورد نظر»، اقدامات ضدایرانی در خاک ترکیه نیز تشدید شود. این رویکرد به روشنی امنیت ملی ایران را تهدید می‌کنید و از نگاه هویتی نیز موجب تحکیم محورهای گفتمان صلح غربی – اسرائیلی منطقه بر علیه ایران خواهد شد.

۳-۵ حفظ مناسبات با ایالات متحده آمریکا

روابط دیرینه و استراتژیک آمریکا و ترکیه گرچه طی قرن بیستم و دو دهه اخیر با افت و خیزهایی همراه بوده است اما سیاست خارجی ترکیه همواره بر این اصل استوار بوده است که همراه مطمئنی برای آمریکا در خاورمیانه باشد. به همین دلیل مشاهده می‌شود که گرچه با پیروزی اسلام‌گرایان روابط دو کشور به سردی گراییده اما بر منطق سازه انگارانه سیاست خارجی ترکیه دنباله‌رو سیاست خاورمیانه‌ای جدید آمریکا قرار دارد. بی‌شک سیاست‌های

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

جدید آمریکا در قبال خاورمیانه بعد از حملات ۲۰۰۱ از وضعیت حفظ وضع موجود به سمت تغییرات بنیادی حرکت کرده است. به عبارت دیگر هر زمان ایالات متحده آمریکا در اثر غافلگیری، امنیت خویش را در مخاطره یافته و احساس کرده که دیگر نمی تواند بر مطلق بودن و بی بدیل بودن آن اعتماد و اتکا نماید، رویکرد آفندی و تهاجمی، یکجانبه گرایی، عملیات پیشدستانه و طرح تغییر رژیم ها و سیطره مطلق و بی مانند نظامی را اساس تمامی سیاست های خویش قرار داده است. (محمدشریفی و دارابی منش،۱۳۹۲).

ترکیه مناسبات نزدیکی با غرب و به ویژه آمریکا دارد. ریشهٔ این همگرایی را از منظری سازه‌انگارانه می‌توان به بحث هویتی و ارزش‌های حاکم بر ترکیه رساند. نظام سیاسی حاکم بر ترکیه ملهم از ارزش‌های غربی است و دموکراسی و حقوق بشر را می توان عامل پیوند دهندهٔ آن با آمریکا دانست.

به نظر می رسد اصلی‌ترین منافع ترکیه در حفظ روابط استراتژیک با آمریکا را نیاز به حمایت‌های اقتصادی ومالی آمریکا، به ویژه در نهادهای مالی مانند بانک جهانی وصندوق بین‌المللی پول که در حل بحران‌های مالی ترکیه نقش داشتند؛ حفظ جایگاه مناسب درناتو و نظام امنیت دسته‌جمعی اروپایی و اعمال فشار به اتحادیه اروپا برای پذیرش عضویت ترکیه دانست. مضافاً بر اینکه استفاده از توان و دانش نظامی آمریکا در نوسازی سیستم دفاعی ارتش با هدف حفظ برتری نظامی ترکیه بر همسایگانش؛ حضورترکیه درشکل‌دهی به آینده شمال عراق ومسئله کردها؛ ورودبه نظام سرمایه‌داری واقتصادجهانی؛ استفاده از اعتبار آمریکا برای کسب امتیازهای اقتصادی منطقه مانند خط لوله انتقال نفت باکو- جیحان و نیازترکیه به آمریکا در برابرهژمونی روسیه درمنطقه از دیگر موارد به شمار می رود. (افضلی و متقی؛ ۱۳۹۰: ۱۹۵).

در نتیجه این مناسبات آمریکا به گونه‌ای افراطی، ترکیه را برای پایان‌دادن به روابط گسترده و عمیق خود با ایران تحت فشار قرار می‌دهد. هم‌اکنون ترکیه در کنار اسرائیل همچنان مهم‌ترین هم‌پیمان آمریکا در خاورمیانه است. داوطلب‌شدن برای پذیرش استقرار سپر موشکی، همراهی با ناتو در حمله به لیبی، فشار و تهدید سوریه، نمونه‌های بارز وفاداری به این هم پیمانی است. درک مفهوم راهبردی عضویت در ناتو و هماهنگی و همکاری آنکارا در عرصه‌های مختلف با واشنگتن از جایگاه ویژه آمریکا در تعیین سیاست‌های راهبردی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

ترکیه حکایت دارد. کمک های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که مؤسسات تحت نفوذ آمریکا هستند از عوامل مهم رشد اقتصادی ترکیه در یک دهه گذشته بوده اند. به طورکلی باید گفت همسویی ترکیه و آمریکا، برگرفته از جایگاه ترکیه و انتظارات آمریکا است. این امر در قالب کلی تر باید آینده تحول‌های خاورمیانه را این‌گونه تعریف کند که ترکیه قصد دارد در جایگاهی قرار گیرد که محل رجوع طرف‌های درگیر، گروه‌های مخالف و کشورهای دچار بحران باشد. به‌عبارت–دیگر دولت– ملت‌ها و بازیگران ملی و بین‌المللی چنین نقشی را برای خود تعریف‌کرده، در این راستا نیز حرکت می‌کنند (حسینی، ابراهیمی و شاه قلعه، ۱۳۹۱: ص ۸۱–۸۲).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر واکاوی ابعاد و تأثیرات مختلف سیاست خارجی جدید ترکیه بود. در مرحله بعدی بررسی چالشهای این رویکرد جدید ترکیه بر سیاست خارجی ایران برای این پژوهش حائز اهمیت به شمار می‌آمد. با توجه به مبانی نظری رویکرد سازه‌انگاری سیاست خارجی جدید ترکیه یا رویکرد موسوم به «نئوعثمانی‌گرایی» ریشه در روند تاریخی و زمینه‌ای شکل‌گیری منافع این کشور دارد که به نحوهٔ ایجاد و تکوین هویت آن بر می‌گردد. رویکرد نئوعثمانی‌گرایی تلاش دارد، بین منابع تاریخی هویتی ترکیه و ارزش‌های کنونی حاکم بر این کشور سازگاری به وجود بیاورد. این منابع ریشه در ظرف فضایی منطقهٔ خاورمیانه دارد. بر همین اساس است که معمار سیاست خارجی نوین ترکیه، یعنی داوود اوغلو، سخن از دکترین عمق استراتژیک می‌آورد. این کشور هم‌اکنون برای دستیابی به جایگاه شایسته‌تر در جهان اسلام و گسترش روابط با کشورهای اسلامی و خاورمیانه تلاش می‌کند. ترکیه دارای شاخص‌های هویتی متکثر متصور می‌شود که باید سیاست‌های خود را بر اساس این هویت متنوع تنظیم کند. بر این اساس، ترکیه باید با خاورمیانه، قفقاز، اروپا و بالکان تعامل سازنده داشته باشد، زیرا جهت‌گیری به یک سمت، نوعی عدم توازن در سیاست خارجی ترکیه به وجود می‌آورد. این سیاست خارجی جدید ترکیه بازتاب‌های جدی بر مناسبات آن با کشورهای منطقه به دنبال داشته است که از جمله می‌توان به نگاه به شرق به جای نگاه صرف به غرب؛ تلاش برای حل و فصل مسئله کردها در داخل و جذب کردهای منطقه به سوی خود؛ تلاش برای برقراری مناسبات با ارمنستان؛ تقویت روابط با روسیه؛ فعال‌شدن سیاست منطقه‌ای ترکیه در خاورمیانه؛ احیای روابط با جهان عرب؛ میانجیگری در روند صلح اعراب و اسرائیل؛ و نزدیک تر شدن به ایران، اشاره کرد. بعلاوه، توسعه این سیاست خارجی به رغم تأثیرات مثبت آن بر روابط با ایران، چالش‌های هنجاری و هویتی جدی برای ایران به دنبال دارد. ترکیه نوعی صورتبندی از حقوق بشر و دموکراسی را به منطقه و ایران توسعه می‌دهد که در تعارض جدی با برداشت و تقسیر غالب گفتمان اسلام سیاسی ایران قرار دارد. به هرجهت، ترکیه همراه با گفتمان ایران‌هراسی غرب به رغم مناسبات نزدیک با ایران، گسترش نفوذ منطقه ای ایران و ترویج مفاهیم هویتی گفتمان انقلاب اسلامی را تهدید خود تلقی می‌کند، لذا یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی جدید ترکیه نفوذ گسترده و افزایش نقش خود

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

در منطقهٔ خاورمیانه است، این رویکرد در بسیاری از موارد می تواند چالش‌های و تأثیرات منفی بر سیاست خارجی ج.ا.ایران داشته باشد و نفوذ منطقه‌ای را به ویژه در دو حوزه عراق و سوریه تحت تأثیر قرار دهد. با این همه باید تأکید کرد که بر اساس واقعیات موجود در عرصه تحولات منطقه ای که در طول ماه های گذشته خود را نشان داده است، معادلات منطقه ای قدرت به ویژه در سوریه و عراق (دو کشوری که دولت ترکیه به آن ها به عنوان یک فرصت جهت تحقق منافع خویش نگاه می‌کرد) شکست خورده و شرط بندی های منطقه ای و بین المللی آمریکا، کشورهای غربی و کشورهای عربی درگیر در بحران سوریه و عراق با ناکامی مواجه شده است. این نشان می‌دهد که نقش سوریه و عراق و هم پیمانان آن ها در منطقه افزایش یافته است. محور مقاومت ایران – سوریه– عراق – حزب‌الله، معادله‌ها را تغییر داده و طرح‌هایی که ترکیه برای سرنگونی نظام سوریه و تجزیه این کشور و عراق اندیشیده بود، رنگ باخته است. بنابراین مشاهده می شود که سیاست گذاران اسلام‌گرایی ترکیه با عقب نشینی از مواضع آرمانگرایانه خود، واقعیت های مادی موجود که سازه انگاران برای تحلیل رفتار سیاسی مورد نظر دارند را پذیرفته است. این تغییر رویکرد را در همکاری روسیه و ترکیه برای شروع گفتگوهای صلح در آستانه قزاقستان و همکاری با ایران جهت پیشبرد آن را می توان دید. از منظر سازه‌انگاری تغییر رویکردهای ترکیه نسبت به همکاری با بشار اسد تا قبل از شروع بهار عربی، تهاجم به این کشور در جریان دیدار داود اوغلو از قبر سلطان سلیمان، حمایت همه جانبه از گروههای تکفیری و اخیراً بازگشت به سیاست کاهش تشنج با روسیه و ایران نشان می‌دهد که این نقش ترکیه بیشتر در قالب مدل منطقه ای و پر کردن خلاء قدرت قابلیت تفسیر دارد. ورود ترکیه به این مسئله هم فرصت و هم چالش برای این کشور ایجاد خواهد کرد. فرصت از این بابت که ترکیه بازیگری بیشتری در معادلات منطقه خواهد داشت و چالش از این رو که روابط ترکیه در چارچوب سازه انگاری و نگاه به شرق و روابط با همسایگان از جمله با جمهوری اسلامی ایران پر تناقض خواهد بود. چرا که دیدگاههای ایران و ترکیه نسبت به بحران سوریه، فاصله بسیار زیادی از نظر تعریف تروریسم، منافع ملی، نوع بازیگری و محیط بازی هم دارد و گمان نمی رود، هیچ یک از دو کشور موضع خود را نسبت به تحولات سوریه تغییر دهند. چرا که تفسیر دو کشور از تحولات کنونی در سوریه به کلی متفاوت است. هرچند اختلافات را شاید کمی بتوانند کاهش دهند ولی نگاه طرفین

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

نسبت به بحران سوریه به طور بنیادین متفاوت است و این اختلاف قابل رفع نیست. در نهایت باید گفت که ترکیه طی یک دهه در سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ نشان داده است که در سیاست خارجی جدید از مناسبات خود با آمریکا و غرب چشم‌پوشی نمی‌کند، آمریکایی که در بیش از سه دهه است در منازعهٔ گفتمانی با ج.ا.ایران قرار دارد. تأثیر این عامل را می توان در مواردی چون استقبال از استقرار سپر موشکی آمریکا در خاک خود، همراهی با آمریکا برای کاستن از نفوذ منطقه‌ای ایران و تضعیف محور مقاومت و مداخله در سوریه مشاهده کرد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

منابع و مآخذ:

۱. آقا علیخانی، مهدی (۱۳۹۰).» نقش و جایگاه ترکیه در روند صلح خاورمیانه با تاکید بر دوره ۲۰۰۲- ۲۰۱۰» *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره شانزدهم صص ٥٤-٥٥

۲. ابراهیمی شهروز، طالب ابراهیمی و صفی الله شاه قلعه؛ (۱۳۹۳)، «بررسی تاثیرهای ژئوپلتیک روابط ترکیه و اسرائیل برمنافع ایران در حوزه خزر»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۷، شماره ۲

۳. امیدی، علی و رضایی، فاطمه (۱۳۹۰). «عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره سوم، صص ۲٦۷-۲۳۱.

٤. افضلی، رسول و متقی،افشین (۱۳۹۰). «بررسی و تبیین ژئوپلیتیکی اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه از ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱، با رویکرد سازه انگاری»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره ٤، صص ۲۰۲-۱۷٦.

۵. امام جمعه زاده سید جواد، رهبر قاضی محمود رضا، مرندی زهره؛ (۱۳۹۲) « تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه»، *فصلنامه جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام* دوره ۱ ، شماره ۳ ، صفحه ۷۲ -٤۵

٦. بخشی، احمد (۲۹/٦/۱۳۹۳). «ترکیه به رهبری جریان اخوان فکر می‌کند»، مشاهده شده در www. irdiplomacy.ir/fa/page/1938532/html

۷. تابناک (۲/۲/۱۳۹۲). «به وقتش علیه ایران با رژیم اسرائیل همکاری می‌کنیم»، مشاهده شده در http:// www.tabnak.ir/fa/news/314998

۸. حسینی، سیده مطهره؛ ابراهیمی، طالب و شاه‌قلعه، صفی‌الله (۱۳۹۱). «نگاه به غرب در سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۲-۲۰۰۲)»، *مطالعات جهان اسلام*، شمارهٔ ۳، صص ۹٦-۹۳.

۹. حیدری، محمدعلی و رهنورد، حمید (۱۳۹۰). « نئوعثمانی‌گرایی و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترکیه (با تکیه بر تحولات بهار عربی)»، *فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری*، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۳٦- ۱٦۰.

۱۰. داود اوغلو احمد؛ (۱۳۹۱)، *عمق استراتژیک*، ترجمه محمدحسین نوحی نژاد، تهران، امیرکبیر

۱۱. دهقانی‌فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸).» *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*»، تهران: نشر سمت.

۱۲. رویس-اسمیت، کریستین (۱۳۹۱). *«سازه‌انگاری»، در اسکات برچیل و همکاران، نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌اله طالبی‌آرانی، تهران: نشر میزان.

۱۳. شفیعی، نوذر و زمانیان، روح‌الله (۱۳۹۰). « مفهوم سیاست خارجی از دیدگاه نظریه‌ها (واقعگرایی، لیبرالیسم و سازه‌انگاری)»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۸۵، صص ۱۲۹-۱۱٤.

۱٤. عرب، علیرضا (۱۵/۲/۱۳۹۲). «رابطه با ترکیه قربانی روابط با سوریه نشود»، مشاهده شده در irdiplo- macy.ir/fa/page/1900649/html

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۱۵. عباسی، مجید (۱۳۹۲). «*چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱*»، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۱۶. قربانی دازمیری، سیداحمد و محسن قربانی؛ (۱۳۹٤)، «*سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال تحولات سوریه و پیامدهای منطقه ای آن*»، ارائه شده در دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش.
۱۷. کواکبی، ایوب (۱۳۷۵)، «درآمدی بر حزب رفاه ترکیه»، *مجله سیاست خارجی*، سال دهم، شماره دوم.
۱۸. کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۸۸) «*بهبود روابط ترکیه وارمنستان و تأثیر آن بر تحولات منطقه قفقاز*» گزارش راهبردی ۲۹۵ معاونت پژوهشهای سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک،
۱۹. محمد شریفی مجید و مریم دارابی منش؛ (۱۳۹۲)، «راهبرد کلان آمریکا و چرخش سیاست خارجی خاورمیانه ای ترکیه»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، شماره سوم، پاییز، صص ۱۵۰-۱۲۷
۲۰. متقی، ابراهیم و پوستین‌چی، زهره (۱۳۹۰). «*الگو و روند در سیاست خارجی ایران*»، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
۲۱. مسعودنیا، حسین و نجفی، داود (۱۳۹۰). «سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراوری جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱٦٦-۱۳۷.
۲۲. مسعودنیا، حسین؛ نجفی، داود و فروغی، عاطفه؛ (۱۳۹۱)» تأثیر برنامه هسته ای ایران بر امنیت ملی ترکیه (در پرتو تئوری توازن قوا)»، *پژوهش‌های راهبردی امنیت ونظم اجتماعی*، شماره ۲
۲۳. مددلو، رامین (۱۳۹۲). «نئوعثمانیسم: هویت شرقی، ارزش‌های غربی»، در خبرگزاری تسنیم. مشاهده شده در تاریخ ۱۵/۱۰/۱۳۹۳ در http://www.tasnimnews.com/Home/Single/306401.
۲٤. مشیرزاده،حمیرا (۱۳۸۳). «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری»،*مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ٦۳،صص ۲۰۱-٦۱۹.
۲۵. مشیرزاده، حمیرا و مسعودی، حیدرعلی (۱۳۸۸). «هویت و حوزه‌های مفهومی روابط بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست*، دورهٔ ۳۹، شمارهٔ ٤، صص ۲٦۹-۲۵۱.
۲٦. مفیدی‌احمدی، حسین (۱۳۸۹). «سیاست خارجی ترکیه در چارچوب رویکرد جدید آنکارا نسبت به غرب»، *سیاست خارجی*، شمارهٔ ۹۵، صص ۱۰۹۳-۱۰۷۳.
۲۷. نقدی‌نژاد، حسن (۱۳۸۷). «سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه»، پژوهش‌نامه مرکز تحقیقات استراتژیک، شمارهٔ ۱۹. مشاهده شده در http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=05&de-pid=44&semid=319
۲۸. یزدی، ابراهیم (۱۰/۸/۱۳۸۲). «*اسلام‌گرایی و دموکراسی: تجربهٔ ترکیه*»، روزنامه اعتماد ملی.

انگلیسی

29. Ahmet Davutoğlu (2001), *Stratejik Derinlik: Turkiye'nin Uluslararasi Konumu*, Istanbul: Kure Yayinlari, pp. 249-271

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

30. Akdogan, Y. (2003), *Muhafazakari Demokrasi*, Ankara, Alfa Basim Yayin.

31. Arinc, B. (2003), Vatan Daily, September 29.

32. Christie, Kenneth (1995). "*Regime Security and Human Rights in Southeast Asia*". Political Studies, XLIII. 204-218.

33. Ergogan, R. T. (2001), *Hurriyet Daily*, August 28.

34. Erdogan, R. T. (2003), *Konusmalar*, Ankara, AK Parti.

35. Dagi, I. D. (2005), "*Transformation of Islamic Political Identity in Turkey: Rethinking the West and Westernization*," Turkish Studies, 6(1), pp: 21-37.

36. Karimifard, Hossein. (2012), *Constructivism, National Identity and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*, Asian Social Science, No. 2.

37. Mateescu, Dragoş C. (2006) *Kemalism in the Era of Totalitarianism: A Conceptual Analysis*, Turkish Studies, 7: 2, 225-241

38. Moshirzadeh, Homeira (2010), "*Domestic Ideational Sources of Iran's Foreign Policy*", Iranian Review of Foreign Affairs, No.1, Vol. 153-192.

39. Nigar Goksel, D. (2008). "*Turkey's Policy towards the Caucasus*", in Caucasus Neighborhood: Turkey and the Sought Caucasus, Caucasus Institute, Yerevan.

40. Taşpınar, Ömer (2012), "*Turkey: The New Model?*" Available at: www.brookings.edu/research/papers/2012/04/24-turkey-new-model-taspinar, April.

41. Ulgen, Sinan (2010), "*Place in the Sun or Fifteen Minutes of Fame? Understanding Turkey's New Foreign Policy*", available at: www.CarnegieEndowment.org/pubs

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۱۰۷

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

عظیم زاده اردبیلی، محمد منصور؛ مسعود نیا، حسین (۱۳۹۷)، «نئوعثمانی‌گری و چالش‌های آن برای ج.ا.ایران (دوره زمانی ۲۰۱۲–۲۰۰۲)» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۸، ش۱، بهار ۹۷، صص ۲۳٤–۱۹۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]